



محرم الحرام ۱۴۴۱



۶۲/۶/۱

دوره مقدماتی
فقه المکاسب
جلسه هشتم

۱. تعریف اعتباری از پول، چه مضراتی دارد؟
۲. قواعد لازم برای اجرای تسعیر اختیاری چیست؟
۳. تعریف شغل براساس تسعیر اختیاری چه فوایدی دارد؟

شوای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

۲۹ شهریور ۱۳۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكَايِنُ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ.

آیه ۱۴۶ سوره مبارکه آل عمران

چه بسا پیامبرانی که انبوهی دانشمندان الهی مسلک [و کاملان در دین] به همراه او با دشمنان جنگیدند، پس در برابر آسیب‌هایی که در راه خدا به آنان رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و [در برابر دشمن] سر تسلیم و فروتنی فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه:

جزوه پیش رو متن پیاده شده سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در نشست تخصصی تبیین فقه المکاسب (جلسه هشتم) است که در تاریخ ۲۰ محرم الحرام ۱۴۴۱ (۲۹ شهریورماه ۱۳۹۸) در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام در شهر مقدس قم برگزار شده است. پیشنهاد می شود جزوه و نمودار این جلسه به ترتیب در قطع A۴ و A۳ چاپ شود.

فهرست مباحث

۱. از بین رفتن اصل مال (رتوس اموال) در قرض، تصرف حداکثری در ارزش گذاری مبادلات توسط سرمایه داران و خلق پول؛ از جمله ضررهای حاصل از تعریف نکردن پول بر اساس مال بودن ۱
۲. باز تعریف شغل بر اساس تسعیر اختیاری به ابزار بهبود سود ارتباطی به خلاف تعریف شغل در نظام سرمایه داری به ابزار کسب ارزش افزوده؛ مقدمه لازم برای ورود به تعریف شغل بر مبنای تسعیر اختیاری ۳
- ۲/۱. پرهیز از غش در معامله؛ از قواعد لازم برای اجرای تسعیر اختیاری از طرف فروشنده ۵
- ۲/۲. ایجاد ساختار برای انذار؛ از جمله وظایف حکومت در قبال اجرای تسعیر اختیاری ۶
- ۲/۲/۱. شفافیت و اطلاع رسانی به مردم در امور حکومتی؛ یکی از ساختارده بخشی انذار ۸
- ۲/۲/۲. ایجاد مجازات و فضای عبرت از پایگاه به چالش کشیدن عرض (آبرو) ۹
- ۲/۳. رعایت مناسک تقدیر در شغل عامل کسب رزق؛ از ثمرات باز تعریف شغل به ابزار بهبود سود ارتباطی ۱۰
- ۲/۳/۱. طلب خیر از خدای متعال (استخاره)، آسان گیری بر مشتری، رعایت حلم در برخورد با مشتری، پرهیز از قسم، دروغ و ظلم و کمک به مظلوم در مبادلات و دوری از ربا؛ از جمله مصادیق قواعد بخشی لازم الاجرا در تسعیر اختیاری ۱۰
- ۲/۴. دینداری، پرهیز از گناه و ذنب و رعایت صبر و حلم در مبادلات؛ از جمله قواعد (روایات) عام حاکم بر تسعیر اختیاری ۱۲
- ۲/۵. قیمت گذاری یک طرفه از جانب تولید کننده و عرضه کننده (مجبور و مورد ظلم قرار دادن خریدار) و ورود نهاد های حکومتی برای تعدیل قیمت و رفع ظلم؛ نتایج نقض ساختاری تسعیر اختیاری توسط الگوی تولید و بازار متمرکز ۱۵
- ۲/۶. فوائد کثیر اجرای حکم تسعیر اختیاری در الگوی تولید و الگوی بازار؛ علت عدم ورود حکومت در قیمت گذاری ۱۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا و شفيعنا في يوم الجزاء ابي القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين سيما بقية الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف و اللعن الدائم على اعدائه اعداء الله.

۱. از بين رفتن اصل مال (رئوس اموال) در قرض، تصرف حداکثری در ارزش گذاری مبادلات توسط سرمایه داران و خلق پول؛ از جمله ضرر های حاصل از تعریف نکردن پول بر اساس مال بودن

بحث ما در جلسه گذشته در تشریح موانع ساختاری تسعیر اختیاری بود. بیان شد مسئله مهم قیمت گذاری در کالا و اصول حاکم بر آن یکی از سه رکن اصلی معاملات و مبادلات در فقه المکاسب است. بعد از مسئله مهم تعریف پول و اینکه ابزار مبادله چه باشد و مبادله را به چه شکل انجام دهیم، مسئله قیمت گذاری در مبادله موضوعیت پیدا می کند و در نهایت ابر مسئله عقود مبادله هم در مرحله سوم در فقه المکاسب مطرح خواهد شد.

بعد از اینکه ادله خود راجع به تعریف پول در نفی پول اعتباری^۱ را مطرح کرده، عرض کردیم پول اعتباری ضد سود ارتباطی است و لا اقل سود ارتباطی را در سه موضع به چالش می کشد؛ اولاً مسئله قرض را از ذیل شمول آیه «فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ»^۲ خارج

۱. Fiat money: Money that is not intrinsically useful and is valued only because it is used as money.

پول اعتباری: پولی که ذاتاً قابل استفاده نیست و فقط به این دلیل که از آن به عنوان پول استفاده می شود ارزش دار شده است.

آدرس مطلب از کتاب اقتصاد کلان (منکیو)، ویرایش هفتم، ص ۵۷۸

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذُرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تَبُتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ / سورة بقره، آیه ۲۷۸ و ۲۷۹

می‌کند و در مرحله بعد زمینه‌ساز تحقق اختیار حداکثری سرمایه‌دارها بر ارزش پول است که باز حکومت دادن به سرمایه‌دار بر ارزش‌گذاری پول، ضد سود ارتباطی است؛ به دلیل اینکه سرمایه‌داران فقط سود خود را در نظر می‌گیرند. در مصداق سومی هم که پول اعتباری، سود ارتباطی را نقض می‌کند مسئله خلق و ایجاد پول^۳ بود. یعنی متأسفانه در مسئله پول اعتباری در اقتصاد موجود، خلق پول پذیرفته شده است. البته در برخی از کشورها برای خلق پول یک استاندارد قرار داده‌اند اما در برخی دیگر از کشورها مانند کشور ما مسئله خلق پول، استاندارد خاصی ندارد.^۴ به‌رحال در همه جای دنیا مسئله خلق پول پذیرفته شده است و خلق پول قطعاً مصداق فریب و غرر است^۵ و کسانی که خلق پول می‌کنند از پایگاه همین پول اعتباری برای خود ثروت بادآورده می‌آورند و البته عوارض دیگری که در مسئله کثیف خلق پول بار شده است.

این مباحث را در جلسات گذشته بحث شد. این سه مصداقی که بنده عرض کردم؛ یعنی مسئله نقص آیه شریفه «فَلَا تَكُن مِّنْ أَهْلِ الْإِثْمِ وَ لَا تُظَلِّمُونَ وَ لَا تَكُن مِّنْ أَهْلِ الْإِثْمِ وَ لَا تَكُن مِّنْ أَهْلِ الْإِثْمِ» در: ۱- فرایند قرض به وسیله پول اعتباری، ۲- تصرف دادن حداکثری به طبقه سرمایه‌دار در مسئله ارزش‌گذاری برای ابزار مبادله است و ۳- نقض اصولی مانند صداقت و مسئله پول حلال در مسئله خلق پول؛ هر سه ضد سود ارتباطی عمل می‌کنند.

بعد از اینکه این سه مسئله را بحث کردیم به مسئله مهم تسعیر اختیاری رسیدیم. عرض شد که تسعیر نباید توسط حاکم انجام شود بلکه اختیار آن باید به دست طرفین معامله باشد. بیان شد که تقریباً بلکه تحقیقاً - همه فقهای شیعه فتوا داده‌اند که تسعیر حاکم - وقتی کلمه تسعیر را به نحو مطلق استفاده می‌کنیم مراد قیمت‌گذاری حاکم است - حرام است و اختیار در بازار و در مسئله قیمت‌گذاری باید بر عهده طرفین خرید و فروش باشد.^۶ خب اینکه این حکم جریان پیدا کند در واقع یکی از

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید، و اگر مؤمن [واقعی] هستید آنچه را از ربا [بر عهده مردم] باقی مانده رها کنید. و اگر چنین نکردید [و به رباخواری اصرار ورزیدید] به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش [بر ضد خود] یقین کنید؛ و اگر توبه کردید، اصل سرمایه‌های شما برای خود شماست [و سودهای گرفته شده را به مردم بازگردانید] که در این صورت نه ستم می‌کنید و نه مورد ستم قرار می‌گیرید. [ترجمه انصاریان]

۳. خلق پول فرایندی است که ذخیره مالی یک کشور یا منطقه اقتصادی یا پولی افزایش می‌یابد.

۴. محمد لاهوتی (رییس کنفدراسیون صادرات اتاق بازرگانی ایران) تصریح کرد در حالیکه حادثین موضوع اقتصاد، افزایش نقدینگی است، خبرهایی مبنی بر چاپ اسکناس به گوش می‌رسد که بسیار نگران‌کننده است زیرا قیمت کالاها را افزایش و ارزش پول ملی را کاهش خواهد داد و باعث ورود به بخش‌های ارز و طلا می‌شود. وی به ایسنا افزود... تا زمانی که بانک مرکزی با هر دلیل همچون پرداخت بدهی‌های بانکی نسبت به چاپ اسکناس اقدام کند، برای اقتصاد کشور مضر است. زیرا قیمت کالاها را افزایش و همچنین ارزش پول ملی را کاهش خواهد داد.

آدرس مطلب در خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا»: yon.ir/CHAPPOL

۵. پرسش: خلق پول توسط بانک‌های تجاری از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

پاسخ آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی: این کار مصداق اکل مال به باطل است زیرا سرمایه‌ای وجود ندارد که آنها به وسیله آن معامله می‌کنند و از سوی دیگر باعث تورم و ضرر و زیان جامعه است و در مجموع بی‌شبهت به یک نوع کلاهبرداری نمی‌باشد که آن هم حرام است و اگر روزی سپرده‌گذاران بخواهند سپرده خود را بگیرند آن بانک مسلماً ورشکست خواهد شد؛ چون چند برابر موجودی مصرف کرده است.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی yon.ir/VCE4I

۶. امام خمینی علیه السلام: و أمّا التسعیر فلا یجوز ابتداءً، نعم لو أجهف أزم بالتّنزل، و إلاّ أئزّمه الحاکم بسعر البلد، أو بما یراه مصلحة. فما دلّ علی عدم التسعیر، منصرف عن مثل ذلك.

و اما قیمت‌گذاری در ابتدا جایز نیست لیکن اگر فروشنده اجحاف کند حاکم شرع او را ناچار می‌کند که قیمت را به قیمت رایج در شهر یا آنچه مصلحت می‌داند؛ کاهش دهد و روایات دلالت‌کننده بر عدم جواز قیمت‌گذاری شامل این قبیل موارد نمی‌شود.

ابزارهای فقه‌المکاسب برای ارتقای منزلت کسب است؛ یعنی اگر شما تسعیر اختیاری را نداشته باشید شغل در فقه‌المکاسب هیچ تفاوتی با شغل در مکاتب اقتصادی مانند نهادگرایی^۷ و نئوکینزی^۸ و امثالهم از این مکاتب ضاله نخواهد داده شد. اما اگر مسئله تسعیر اختیاری را حفظ کرده سعی کنید برای تحقق آن برنامه‌ریزی داشته باشید به دلیل شرایطی که محفوف به مسئله تسعیر اختیاری است، شغل از ابزاری برای ایجاد ارزش افزوده تبدیل به ابزاری برای تزکیه و عبادت می‌شود. چه چیزی باعث می‌شود که این کار انجام شود؟ شروط و اصولی که بر مسئله تسعیر اختیاری حاکم است.

۲. باز تعریف شغل بر اساس تسعیر اختیاری به ابزار بهبود سود ارتباطی به خلاف تعریف شغل در نظام سرمایه داری به ابزار کسب ارزش افزوده؛ مقدمه لازم برای ورود به تعریف شغل بر مبنای تسعیر اختیاری

در جلسه امروز می‌خواهم برخی از شروط حاکم بر مسئله تسعیر و در واقع شرایط تجارت را در محضر شما عرض کرده و به نحو تفصیلی اثبات کنم که اگر مسئله تسعیر، اختیاری نباشد، شغل تنزل ماهیتی پیدا می‌کند. لذا حفظ این حکم تسعیر اختیاری خیلی برای ما موضوعیت دارد؛ برای اینکه شغل تبدیل به عاملی برای ارزش افزوده محض نشود و همان‌طور که

۷. مبانی فکری مکتب نهادی به آن صورت که اقتصاددانان این مکتب ارائه کرده اند بر شش اصل مهم و اساسی به شرح زیر متکی می‌باشد:

۱. اقتصاد باید به عنوان یک سازمان یا مجموعه کامل و واحد تشکیلات که تمامی اجزاء آن با یکدیگر ارتباط دارند، مورد بررسی قرار گیرد. در این مورد، مطالعه یک دوره کامل از یک سازمان را نمی‌توان صرفاً با بررسی اجزاء آن به صورت قسمت‌های مجزا و منفصل از یکدیگر مورد بررسی قرار داد. به همین ترتیب، فعالیت اقتصادی جامعه مجموع تصمیمات فردی برای به دست آوردن حداکثر منافع پولی نیست بلکه فراتر از آن رفته است و ناشی از فعالیت‌های جمعی می‌شود که بزرگ‌تر از مجموع اجزاء منفصل از یکدیگر می‌باشد.

۲. مکتب نهادی نقش مؤسسات و نهادها را در زندگی اقتصادی مورد تأکید قرار میدهد. نهاد تنها یک مؤسسه برای انجام هدف خاصی نظیر تعلیم، هماهنگی، خدمات اقتصادی، اتحادیه و یا بانکی نیست، بلکه الگویی متشکل از رفتار جمعی یا گروهی است که به عنوان جزء بخش اساسی یک فرهنگ پذیرفته میشود...

۳. ... مکتب نهادی نظریه کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها را، مبنی بر وجود تعادل ساکن و عادی در جامعه اقتصادی، مردود دانسته و به جای آن بر اصل سلسله علل یا تغییرات تراکمی که در جریان حصول به هدف‌های اجتماعی و اقتصادی ممکن است منجر به نتایج مثبت و یا منفی گردد، تکیه می‌کند. به عبارت دیگر تعدیل کمتر و یا بیشتر از مقدار لازم برای حصول به تعادل در زندگی اقتصادی انحراف از تعادل عادی به شمار نمی‌آید، بلکه این نوع انحرافات خود عادی می‌باشند.

۴. ... مکتب نهادی معتقد به وجود تضاد منافع است و انسان را موجودی اجتماعی و تعاونی می‌داند که برای حفظ منافع متقابل و مشترک خود با دیگران اقدام به تشکیلات گروهی می‌کند...

۵. مکتب نهادی از برنامه اصلاحات اجتماعی به منظور توزیع عادلانه تر ثروت و درآمد حمایت می‌کند... این مکتب اقتصاد آزاد سرمایه داری را محکوم می‌کند و به نقش بسیار مهم دولت در امور اقتصادی و اجتماعی مردم اعتقاد دارد.

۶. از نقطه نظر روش‌شناسی، مکتب نهادی روش استقراء را بر قیاس ترجیح داده و بر این عقیده است که برای درک بهتر عملکرد نظام اقتصادی باید مطالعات دقیق تری از طرز کار آن به عمل آورد.

تاریخ عقاید اقتصادی (فریدون تفضلی)، ص ۳۴۰ الی ۳۴۲

۸. New Keynesian economics: The school of thought according to which economic fluctuations can be explained only by admitting a role for some microeconomic imperfection, such as sticky wages or prices.

اقتصاد نئوکینزی: مکتب فکری اقتصادی است که براساس آن، نوسانات اقتصادی فقط با پذیرش نقش برای برخی از عیوب اقتصاد خرد مانند دستمزدها یا قیمت‌های چسبنده قابل توضیح است.

آدرس مطلب از کتاب اقتصاد کلان (منکیو)، ص ۵۸۱

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود تبدیل به نه جزء از عبادت شود؛ «الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ أَجْزَاءُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ»^۹. دقیقاً در مسئله تسعیر اختیاری چه اتفاقی می افتد که شغل به این مقدار ارتقای منزلت پیدا می کند؟ این محل بحث است که باید به آن توجه کرد.

به محضر شما چند روایت را تقدیم می کنم و تا ببینید که شریعت محترم در مسئله تسعیر اختیاری طرفین معامله را دعوت به رعایت اختیاری این اصول می کند. بنابراین در هر معامله و قیمت گذاری [تسعیر اصل است]. شما می دانید که معامله یک نقطه شروع و یک نقطه ختم دارد اما اوج معامله در زمانی است که بر سر یک قیمتی به توافق برسند و در آخر هم تبادل انجام شده و یا وعده تبادل قطعی توسط طرفین ضمانت شود. اوج تجارت زمانی است که شما به قیمت می رسید. حالا این شرایطی که بیان می کنم باید توسط طرفین انجام شود و وقتی رعایت شد، دیگر شغل به نحوی که کینز^{۱۰} مطرح می کند تعریف نخواهد شد که یک ابزاری است که شما با آن پول در بیاورید، حالا ولو اینکه آن پول هم حرام باشد. در جلسات گذشته عرض کرده ام؛ متأسفانه آن قدر ادبیات مکاتب اقتصادی موجود تنزل یافته هستند که در این ادبیات هر نوع کسبی ولو از طریق فحشا، تجارت اعضای بدن انسان و یا تجارت مافیایی اسلحه و کسب هایی که همه دارای تالی فاسد جدی هستند را شغل تلقی کرده و بر اساس این تعریف تنزل یافته درآمد کشورها را محاسبه می کنند.^{۱۱} حال برای اینکه ما به آن بلایا مبتلا نشویم باید در گام اول تعاریف خود را بهینه کنیم. برای چه در دانشگاه های کشور می پذیرند که شغل یعنی هر چیزی که ارزش افزوده ایجاد می کند^{۱۲} ولو اینکه سود ارتباطی را نادیده بگیرد؟! ابتدا باید این اصلاحات را در تعریف شغل ایجاد کنیم. حالا عرض می کنم به محوریت حکم شریف تسعیر اختیاری بسیاری از این وجوه تعریفی به نحو تضمن و به نحو معیت در شغل ایجاد شده است. بنابراین

۹. وَ قَالَ [رَسُولُ اللَّهِ] ﷺ: الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ أَجْزَاءُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.

رسول خدا ﷺ فرمود: عبادت ده بخش است که نه بخش آن طلب روزی حلال می باشد.

جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۳۹ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۹

۱۰. جان مینارد کینز (۱۸۸۳-۱۹۶۶م)، اقتصاددان انگلیسی قرن بیستم است. از کتاب های او می توان به «نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول» که تاثیر بسیاری بر اقتصاددانان پس از او گذاشت اشاره کرد. نگرش کینز و مکتب او به اقتصاد و مسئله شغل در تعارض جدی با مبانی اهل بیت علیهم السلام است.

۱۱. اگر بخواهید در مورد اقتصاد یک شخص قضاوت کنید، احتمالاً قبل از هر چیز به درآمد او توجه خواهید کرد... همین استدلال برای کل اقتصاد یک کشور نیز قابل ارائه است. وقتی درباره اقتصاد یک کشور قضاوت می کنید که این کشور ثروتمند یا فقیر است، نگاه شما به درآمد کل است که تک تک افراد جامعه به دست می آورند. این درآمد را به کمک تولید ناخالص داخلی (GDP) محاسبه می کنید. GDP دو چیز را محاسبه می کند؛ درآمد کل افراد در اقتصاد و هزینه های کل تولید کالاها و خدمات در اقتصاد.

نظریه اقتصاد کلان (منکیو)، ص ۹ و ۱۰

در سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تعریف GDP (Gross Domestic Product) چنین آمده است:

کل ارزش ریالی محصولات نهایی تولیدشده توسط واحدهای اقتصادی مقیم کشور در دوره زمانی معین (سالانه یا فصلی) را تولید ناخالص داخلی می نامند.

آدرس مطلب در سایت رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: yon.ir/HRXCN

۱۲. سازمان بین المللی کار در بیان شاخص افراد شاغل، افرادی را صاحب شغل می داند که شغل آنها دارای سود مالی و ارزش افزوده باشد؛

Persons in employment or the employed population comprise all those of working age who, in a short reference period, were engaged in any activity to produce goods or provide services for pay or profit.

افراد شاغل یا جمعیت شاغل شامل کلیه افراد در رده سنی کار می باشند که در یک دوره مرجع کوتاه، برای تولید کالا یا ارائه خدمات در ازای پرداخت دستمزد یا سود مشغول فعالیت بودند.

آدرس مطلب از سایت سازمان بین المللی کار: yon.ir/ABdDx

وقتی تسعیر اختیاری حذف شود همه آن قیده‌های تعریفی هم حذف خواهد شد، آن قیده‌های تعریفی که باعث می‌شود شغل ارتقا پیدا کرده و تعریف شغل رشد پیدا کند.

۲/۱. برهیز از غش در معامله؛ از قواعد لازم برای اجرای تسعیر اختیاری از طرف فروشنده

یک روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ عِنْدَهُ لُؤْتَانِ مِنْ طَعَامٍ وَاحِدٍ وَ سِعْرُهُمَا شَتَّى وَ أَحَدُهُمَا خَيْرٌ مِنَ الْآخَرِ فَيَخْلِطُهُمَا جَمِيعاً ثُمَّ يَبِيعُهُمَا بِسِعْرِ وَاحِدٍ قَالَ لَا يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ يَغْشَى بِهِ الْمُسْلِمِينَ حَتَّى يُبَيِّنَهُ»^{۱۳}

جناب حلبی می‌گوید که از امام صادق علیه السلام پرسیدم که مردی دو نوع آرد با دو کیفیت متفاوت در اختیار دارد که کیفیت یکی بهتر و دیگری کمتر است. آن مرد این دو آرد متفاوت را با هم ترکیب کرده و در نهایت یک قیمت را بر روی آن می‌گذارد - بحث قیمت‌گذاری است - حضرت فرمودند که این کار جایز نیست به دلیل اینکه غش در معامله و فریب است. غش در معامله به معنای فریب دادن مشتری است.^{۱۴} او به مشتری نگفته است که این دو نوع آرد است بلکه آن دو را با هم ترکیب کرده و به عنوان یک نوع آرد فروخته است. البته یک قیمت هم بر روی آن گذاشته و ممکن است قیمتی که بر روی آن اختصاص دارد پایین‌تر از قیمت آرد مرغوب هم باشد. حضرت می‌فرماید به دلیل اینکه این نوع معامله منجر به قیمت‌گذاری خاصی شده و به دلیل اینکه بر فرض غش در معامله است جایز نیست. نباید در معامله کسی را فریب داد؛ یعنی فرهنگ اسلامی به این شکل است که نباید در فرایند قیمت‌گذاری فریب باشد.

حال اگر به بازار رفته باشید -بنده اخیراً یک تحقیق میدانی در این رابطه داشته‌ام- خواهید دید که در بسیاری از مواقع به همین شکل است و فرایندی وجود ندارد که نسبت به این مسئله تذکر داده شده و جلوی این کار را بگیرد. برای مثال برای کنترل این مسئله اداره اماکن^{۱۵} طراحی شده است؛ اداره اماکن با یک استانداردهای خاصی مشاغل را کنترل می‌کند و برنامه‌ای برای فریب و غش در معامله ندارد. اگر هم برنامه‌ای داشت نمی‌توانست آن را اجرایی کند؛ زیرا تنها روایاتی که به وسیله آن‌ها نفی غش ثبت شده، کارآمد است و جا انداختن این روایات هم کار طلبه‌هاست. خب این کار در حال حاضر تعطیل شده است.

۱۳. عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ عِنْدَهُ لُؤْتَانِ مِنْ طَعَامٍ وَاحِدٍ وَ سِعْرُهُمَا شَتَّى وَ أَحَدُهُمَا خَيْرٌ مِنَ الْآخَرِ فَيَخْلِطُهُمَا جَمِيعاً ثُمَّ يَبِيعُهُمَا بِسِعْرِ وَاحِدٍ فَقَالَ لَا يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ يَغْشَى بِهِ الْمُسْلِمِينَ حَتَّى يُبَيِّنَهُ.

حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی دو نوع آرد که قیمتی هردو یکی است ولی یکی از دیگری مرغوب‌تر است. او آنها را مخلوط می‌کند و به یک قیمت می‌فروشد. فرمود: جایز نیست چنین کند. این فریب مسلمانان است بایستی این موضوع را آشکار سازد.

کافی، ج ۵، ص ۱۸۳ و تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج ۷، ص ۳۴

۱۴. غش به فتح «غ» مصدر، به معنای فریب دادن و به کسر آن، اسم مصدر است.

غایة الآمال، ج ۱، ص ۹۱

آیت الله خویی: کاربرد غش در کلمات فقها همان کاربرد لغوی و عرفی آن است،

مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۳۰۰

۱۵. پلیس نظارت بر اماکن عمومی (Police monitor public places) یکی از پلیس‌های تخصصی تابع پلیس اطلاعات و امنیت عمومی می‌باشد که وظیفه آن بررسی و تایید صلاحیت متقاضیان دایرکننده اصناف در سطح کشور می‌باشد.

آدرس مطلب از سایت نیروی انتظامی جمهوری اسلامی: yon.ir/NEUdj

پس در فرایندی که به قیمت‌گذاری ختم می‌شود اصل اینکه شما از اصل فریب عبور کنید اصل بسیار مهمی است. البته غیر از این روایات هم در باب آن روایت داریم و مسلم هم هست که ما باید بر این مبنا عمل کنیم.

۲/۲. ایجاد ساختار برای انداز؛ از جمله وظایف حکومت در قبال اجرای تسعیر اختیاری

یک روایت دیگر در امالی مفید نقل شده است که امام صادق علیه السلام رفتار مدیریتی امیرالمؤمنین علیه السلام را در حکومت توصیف می‌کنند. این روایت به بحثی که بنده دارم بسیار ادل است؛ یعنی شرایط حاکم بر تسعیر اختیاری و تجارت را در آن بحث می‌شود.

در روز قبل عرض شد که همه شرایط حاکم بر فرایند تجارت و مسئله تسعیر اختیاری جزء مناسک تقدیر هستند؛ یعنی اگر آن شرط را رعایت کنید در تقدیر شما یک اتفاقی به نحو زیاده و برکت خواهد افتاد و اگر آن را رعایت نکنید یک اتفاق منفی در تقدیر خواهد افتاد. روایت به این شکل است: «قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَكُمْ بِالْكُوفَةِ يَغْتَدِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنَ الْقَصْرِ فَيَطُوفُ فِي أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ سُوقًا سُوقًا وَمَعَهُ الدَّرَّةُ عَلَى عَاتِقِهِ وَ كَانَ لَهَا طَرْفَانِ وَ كَانَتْ تُسَمَّى السَّيْبَةَ قَالَ فَيَقِفُ عَلَى أَهْلِ كُلِّ سُوقٍ فَيُنَادِي فِيهِمْ يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ قَدَّمُوا الْإِسْتِحَارَةَ وَ تَبَرَّكُوا بِالسُّهُولَةِ وَ اقْتَرَبُوا مِنَ الْمُتَبَاعِينَ وَ تَزَيَّنُوا بِالْحِلْمِ وَ تَنَاهَوْا عَنِ الْيَمِينِ وَ جَانِبُوا الْكُذْبَ وَ تَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ وَ أَنْصَفُوا الْمَظْلُومِينَ وَ لَا تَقْرَبُوا الرِّبَا - وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ - قَالَ فَيَطُوفُ فِي جَمِيعِ الْأَسْوَاقِ الْكُوفَةِ ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَقْعُدُ لِلنَّاسِ قَالَ وَ كَانَ إِذَا نَظَرُوا إِلَيْهِ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْهِمْ [وَ] قَالَ يَا مَعْشَرَ النَّاسِ أَمْسِكُوا أَيْدِيَهُمْ وَ اصْغَوْا إِلَيْهِ بِأَذَانِهِمْ وَ رَمَقُوهُ بِأَعْيُنِهِمْ حَتَّى يَفْرَغَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ كَلَامِهِ فَإِذَا فَرَعَ قَالُوا السَّمْعَ وَ الطَّاعَةَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»^{۱۶}

۱۶. وَ بِالْإِسْنَادِ الْأَوَّلِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمَقْدَامِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَكُمْ بِالْكُوفَةِ يَغْتَدِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنَ الْقَصْرِ فَيَطُوفُ فِي أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ سُوقًا سُوقًا وَمَعَهُ الدَّرَّةُ عَلَى عَاتِقِهِ وَ كَانَ لَهَا طَرْفَانِ وَ كَانَتْ تُسَمَّى السَّيْبَةَ قَالَ فَيَقِفُ عَلَى أَهْلِ كُلِّ سُوقٍ فَيُنَادِي فِيهِمْ يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ قَدَّمُوا الْإِسْتِحَارَةَ وَ تَبَرَّكُوا بِالسُّهُولَةِ وَ اقْتَرَبُوا مِنَ الْمُتَبَاعِينَ وَ تَزَيَّنُوا بِالْحِلْمِ وَ تَنَاهَوْا عَنِ الْيَمِينِ وَ جَانِبُوا الْكُذْبَ وَ تَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ وَ أَنْصَفُوا الْمَظْلُومِينَ وَ لَا تَقْرَبُوا الرِّبَا - وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ - قَالَ فَيَطُوفُ فِي جَمِيعِ الْأَسْوَاقِ الْكُوفَةِ ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَقْعُدُ لِلنَّاسِ قَالَ وَ كَانَ إِذَا نَظَرُوا إِلَيْهِ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْهِمْ [وَ] قَالَ يَا مَعْشَرَ النَّاسِ أَمْسِكُوا أَيْدِيَهُمْ وَ اصْغَوْا إِلَيْهِ بِأَذَانِهِمْ وَ رَمَقُوهُ بِأَعْيُنِهِمْ حَتَّى يَفْرَغَ ع مِنْ كَلَامِهِ فَإِذَا فَرَعَ قَالُوا السَّمْعَ وَ الطَّاعَةَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.

جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام در آن ایام که در کوفه بود چنین عادت داشت که هر روز صبح از دارالاماره بیرون می‌شد و در یکایک بازارهای کوفه می‌گشت و تازیانه‌ای دو شاخه بنام سبیه به همراه داشت، در هر بازاری می‌ایستاد و در میان اهل آن صدا می‌زد: ای تاجران پیش از داد و ستد از خداوند خیر و نیکی طلبید، و با آسانگیری در معامله از خداوند برکت جوئید، و با خریداران نزدیک شوید (گران نفروشید تا از شما بگریزند)، و خود را به زینت حلم و بردباری آرایش دهید، و از سوگند خوردن خودداری کنید، و از دروغ پرهیزید، و از ستم کناره‌گیرید، و با مظلومان به انصاف رفتار نمایید، و به ربا خواری نزدیک مشوید، و پیمانانه را کامل بدهید (کمفروشی نکنید)، و چیزی از حق مردم کم نگذارید، و روی زمین در غرقاب فساد فرو نروید و همین طور در تمام بازارهای کوفه دور می‌زد، و سپس بازمی‌گشت و در محلی برای رسیدگی بکارهای مردم می‌نشست. و چون مردم می‌دیدند که آن حضرت بسوی آنان می‌آید، و فریاد (ای مردم) او بلند می‌شد همگی دست از کار می‌کشیدند و خوب به فرمایشات حضرتش گوش می‌دادند، و به روی آن حضرت چشم می‌دوختند تا از سخن خود فارغ می‌گشت، و چون سخنش تمام می‌شد می‌گفتند: ای امیر مؤمنان شنیدیم و اطاعت خواهیم کرد.

می فرماید: برنامه روزانه امیرالمؤمنین علیه السلام در زمانی که در کوفه بودند این بود که از دارالأماره بیرون آمده و در بازارها می چرخیدند. پیداست کوفه آن روز یک بازار هم نداشته و چند بازار داشته است. حضرت به بازارها رفته و سرکشی می کردند. در همه روایاتی که رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام را در بازار توصیف کرده اند - چه در روایت امام صادق و چه امام باقر علیه السلام - این تعبیر آمده است «وَمَعَهُ الدَّرَّةُ عَلَيَّ عَاتِقِهِ» می فرمایند که حضرت به همراه خود شلاقی داشت، در برخی از روایات تعبیر «بِيدِهِ» آمده^{۱۷} و در برخی دیگر هم چنین آمده است که شلاق بر روی شانه مبارک حضرت بود. به هر حال حضرت اصرار داشتند که به اهل بازار بگویند که اگر در مسئله معامله سود ارتباطی را رعایت نکنید، حکومت شما را مجازات خواهند کرد. و سعی داشتند این را تصویری نشان دهند. جالب است که همه مردم، ویژگی های شلاق امیرالمؤمنین علیه السلام را می دانستند. در روایت نقل شده که «وَكَانَ لَهَا طَرْفَانِ» یک شلاق دو زبانه ای هم بود یعنی یک رشته نبود بلکه دو رشته بود. حتما می دانید که وقتی مجازات با شلاق دو رشته ای اتفاق می افتد تعذیب بیشتری هم دارد. یعنی امام علیه السلام، این ویژگی ها را هم نقل می کند. بعد می فرماید: «وَكَانَتْ تُسَمَّى السَّبِيْبَةَ» اسم هم داشت؛ اینها در پیشگیری از جرم، خیلی مهم است. امام می فرماید اسم آن شلاق دو طرفه هم سبیه بود. حضرت اصرار داشتند که مردم، جناب سبیه را زیارت کنند (خنده) و ببینند تا پیشگیری از جرم اتفاق بیافتد؛ تا خدای ناکرده تصور نکنند که اگر اختلاس یا غش در معامله کردند، این بدون هزینه خواهد بود. ما الان در سال ۱۳۹۸ جای خالی این رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام را خوب درک می کنیم و امیدواریم این مسئله برطرف شود. انگار برخی از آقازاده ها و بعضی از اصحاب تجارت که احتکار می کنند، خیالشان راحت است که مجازات نخواهند شد. باید در برخی از حوزه ها دائماً مجازات کار خلاف را جلوی چشم کسانی که احتمال دارد مرتکب شوند نشان دهید. لذا باید تذکر دائمی دهید و جلوی چشمها نشان دهید. حالا امام باقر علیه السلام در این روایت و امام صادق علیه السلام در بعضی از روایات دیگر نقل می کنند امیرالمؤمنین علیه السلام، این کار حکیمانه را انجام می دادند.

۱۷. عَنْ عَلِيٍّ علیه السلام: أَنَّهُ كَانَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ وَبِيَدِهِ دَرَّةٌ يَضْرِبُ بِهَا مَنْ وَجَدَ مِنْ مُطَفِّفٍ أَوْ غَاشٍّ فِي تِجَارَةِ الْمُسْلِمِينَ قَالَ الْأَصْبَغُ قُلْتُ لَهُ يَوْمًا أَنَا أَكْفِيكَ هَذَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَاجْلِسْ فِي بَيْتِكَ قَالَ مَا نَصَحْتَنِي يَا أَصْبَغُ وَكَانَ يَرَكِبُ بَعْلَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الشَّهْبَاءَ وَيَطُوفُ فِي الْأَسْوَاقِ سُوقًا سُوقًا فَأَتَى يَوْمًا طَائِفَ اللَّحَامِينَ فَقَالَ يَا مَعْشَرَ الْقَضَائِينَ لَا تَعْجَلُوا الْأَنْفُسَ قَبْلَ أَنْ تَرْهَقَ وَإِيَّاكُمْ وَالتَّنْفِخَ فِي اللَّحْمِ ثُمَّ أَتَى إِلَى التَّمَارِينَ فَقَالَ أَظْهَرُوا مِنْ رَدِيءٍ بَعِيْكُمْ مَا تَظْهَرُونَ مِنْ جَبِيْدَةٍ ثُمَّ أَتَى السَّمَاكِيْنَ فَقَالَ لَا تَبِيعُوا إِلَّا طَيِّبًا وَإِيَّاكُمْ وَ مَا طَفَا ثُمَّ أَتَى الْكُنَاسَةَ وَ فِيهَا مِنْ أَنْوَاعِ التَّجَارَةِ مِنْ نَحَّاسٍ وَ قَمَّاطٍ وَ بَائِعِ إِبِلٍ - وَ صَيْرَفِيٍّ وَ بَرَّازٍ وَ حَيَّاطٍ فَنَادَى بِأَعْلَى صَوْتٍ يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ إِنَّ أَسْوَاقَكُمْ هَذِهِ تَحْضُرُهَا الْأَيْمَانُ فَشُوبُوا أَيْمَانَكُمْ بِالصِّدْقَةِ وَ كُفُّوا عَنِ الْحَلْفِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يُقَدِّسُ مَنْ حَلَفَ بِاشْمِهِ كَاذِبًا.

علی علیه السلام تازیانه به دست در بازارها گردش می کرد و کم فروشان و خیانتکاران در معامله با مسلمانان را با آن می زد. اصبع بن نباته می گوید: یک روز به امام علیه السلام گفتم: ای امیر مؤمنان! من این کار را به جای شما انجام می دهم. تو در خانه بنشین! اما فرمود: تو برای من خیرخواهی نکردی؛ ای اصبع! امیر مؤمنان علیه السلام بر شهباء - قاطر پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - سوار می شد و در تکتک بازارها گردش می کرد. یک روز به بازار گوشت فروشان رفت و فرمود: ای گروه قصابان! در گرفتن جان حیوانات پیش از آن که خود آنها جان دهند، شتاب نکنید و پرهیزید از دمیدن در گوشت! سپس به بازار خرما فروشان رفت و فرمود: جنس نامرغوب را آشکار کنید، آن گونه که جنس مرغوب را آشکار می کنید. آن گاه به بازار ماهی فروشان رفت و فرمود: جز ماهی پاک و حلال را ن فروشید و از آنچه در آب می میرد و بر روی آب می آید، پرهیزید! سپس به کناسه رفت. در آنجا انواع تجارت از برده فروشی، گهواره سازی، شتر فروشی، صراف، پارچه فروشی و دوزندگی وجود داشت. امام علیه السلام با صدای بلند ندا داد: ای گروه تاجران! در این بازارهای تان سوگند یاد می شود، پس سوگندهای تان را با صدقه در هم آمیزید و از سوگند دست بردارید، زیرا خداوند کسی را که به نامش سوگند دروغ یاد کند، پاک نمی گرداند.»

۲/۲/۱. شفافیت و اطلاع رسانی به مردم در امور حکومتی؛ یکی از ساختار ده بخشی انذار

چون می‌دانید که در مسئله تجارت و بازار، مسئله حرص بسیار دخالت دارد و یکی از ابزارهای کنترل حرص، انذار است. انذار هم ساختاری دارد - شاید حدود ده بخش دارد - یکی از بخش‌هایش حدود و تعزیرات است. حالا ان‌شاء‌الله در فقه القضاء که بحث کردیم ساختار انذار در اسلام را - بِفَضْلِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - بحث می‌کنیم. این ساختار انذار بحث بسیار مهمی است. بنده دیروز با یکی از آقایان فضلا داشتم مباحثه می‌کردم، ایشان از بنده پرسید نظرت راجع به مسئله شفافیت چیست؟ حتماً می‌دانید که آقایان شفافیت را برای کنترل فساد بحث می‌کنند.^{۱۸} به ایشان عرض کردم که آنچه ما از فقه شیعه می‌فهمیم ما برای عبور از فساد به انذار نیاز داریم و انذار یک ساختار چندبخشی دارد. یکی از آنها این است که شما شفافیت را به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام «إِلَّا فِي حَرْبٍ»^{۱۹} داشته باشید یعنی فقط امور جنگی را باید محرمانه نگه دارید. امور حکومتی غیر جنگی را باید به اطلاع مردم برسانید. تازه ساختار شفافیتی که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌گوید غیر از آن شفافیتی است که بانک جهانی^{۲۰}

۱۸. رئیس جمهور خاطرنشان کرد: باید همه توان خود را برای مقابله با فساد به کار بگیریم و دولت خوشبختانه در اقدامی مهم لایحه شفافیت را در این راستا تهیه و به مجلس فرستاد و امیدواریم نمایندگان محترم به موقع این لایحه را تصویب کنند تا دولت بتواند آن را به اجرا برساند و مردم بتوانند شاهد فضای آرام تر، اخلاقی تر و شریطی باشند که اطمینان بیشتری به آینده خود داشته باشند. دکتر روحانی افزود: معتقدیم بهترین راه برای جلوگیری از مفاسد شفافیت است؛ اگر همه چیز آشکار، روشن و شفاف باشد و مردم بر آن اشراف داشته باشند، هیچ نظارتی بالاتر از نظارت مردم نیست.

آدرس مطلب در سایت رسمی وزارت امور خارجه به آدرس: yon.ir/0Z0xY

۱۹. من کتاب له علیه السلام إلى أمرائه على الجیش: أَلَا وَإِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَّا أَحْتَجِرَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ وَلَا أَطْوِي دُونَكُمْ أَمْرًا إِلَّا فِي حُكْمٍ وَلَا أُؤَخِّرَ لَكُمْ حَقًّا عَنْ مَحَلِّهِ وَلَا أَقْفُ بِهِ دُونَ مَقْطَعِهِ وَأَنْ تَكُونُوا عِنْدِي فِي الْحَقِّ سَوَاءً.

از نامه‌های آن حضرت است به امیران سپاهش: بدانید حق شما بر من است که چیزی را از شما جز اسرار جنگ پنهان ندارم و کاری بی‌مشورت شما مگر در احکام الهی انجام ندهم و هیچ حقی از شما را از موضعش به تأخیر نیندازم و تا آن را به جایش نرسانم باز نایستم و این که همه شما نسبت به حق نزد من مساوی باشید. [ترجمه انصاریان]

نهج البلاغه، ص ۴۲۴

With 189 member countries, staff from more than 170 countries, and offices in over 130 locations, the World Bank Group is a unique global partnership: five institutions working for sustainable solutions that reduce poverty and build shared prosperity in developing countries.

Partnering With Governments

Together, IBRD and IDA form the World Bank, which provides financing, policy advice, and technical assistance to governments of developing countries. IDA focuses on the world's poorest countries, while IBRD assists middle-income and creditworthy poorer countries.

Partnering With The Private Sector

IFC, MIGA, and ICSID focus on strengthening the private sector in developing countries. Through these institutions, the World Bank Group provides financing, technical assistance, political risk insurance, and settlement of disputes to private enterprises, including financial institutions.

با وجود ۱۸۹ کشور عضو، کارکنانی از بیش از ۱۷۰ کشور و دفاتری در بیش از ۱۳۰ پایگاه، گروه بانک جهانی دارای یک همکاری جهانی بی‌نظیر است؛ پنج موسسه که در حال کار برای راه‌حل‌های پایدار هستند که باعث کاهش فقر و ایجاد رونق عمومی در کشورهای در حال توسعه می‌شوند.

همکاری با دولت‌ها

IBRD و IDA، بانک جهانی را تشکیل می‌دهند که بودجه، مشاوره سیاسی و کمک فنی به دولت‌های کشورهای در حال توسعه ارائه می‌دهند. IDA در فقیرترین کشورهای جهان تمرکز دارد در حالی که IBRD به کشورهای فقیر با درآمد متوسط و معتبر کمک می‌کند.

همکاری با بخش خصوصی

می‌گوید. بانک جهانی بعداً می‌خواهد به اسم شفافیت، مثلاً برخی از این معاهدات بین‌المللی را به پذیرش ما برساند. بعد به اسم شفافیت، همه اطلاعات و اخبار محرمانه اقتصادی کشور را در اختیار داشته باشد و از همه تراکنش‌ها مطلع باشد. این نوع شفافیتی که می‌گویند و آقای روحانی در قالب آن معاهده معروف دنبالش بود^{۲۱} - که بِفَضْلِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مجمع تشخیص مصلحت نظام با آن مخالفت کرد- این نوع شفافیت منجر به نفی اصل نفی سبیل می‌شود. لذا باید به همه اینها دقت کنید ولی حالا شفافیت به نحوی که نفی سبیل شکسته نشود [از نظر ما ایرادی ندارد] چون در این معاهده‌ای که مطرح بود نفی سبیل داشت نادیده گرفته می‌شد. بنابراین شفافیت با مدل درستش که یکی از قیودی که شفافیت درست می‌کند مسئله حفظ نفی سبیل است نباید تراکنش‌های مالی ایران در اختیار اجنبی، بیگانه و دشمن قطعی ملت ایران قرار بگیرد. با این قید، شفافیت یکی از ساختار چندبخشی مسئله انذار است.

۲/۲/۲. ایجاد مجازات و فضای عبرت از پایگاه به چالش کشیدن عرض (آبرو)

یکی دیگر از موارد آن ساختاری که کمک می‌کند شما جلوی فساد را در یک جامعه بگیرید مسئله حدود و تعزیرات است. ما عرض کردیم که عمده حدود و تعزیراتی که در مسئله تجارت وضع شده روی مال و عرض می‌رود. یعنی تخلفات مالی تاجر منجر به مجازاتی مانند شلاق می‌شود حتماً می‌دانید اصل در حکم شلاق، عرض و آبروی انسان است یعنی آبرو را به چالش می‌کشد. اگر کسی از بیت المال اختلاس کند باید مجازات را کما اینکه اهل بیت ما هدایت فرموده‌اند جوری تنظیم کنید تا آبروی او به چالش کشیده شود؛ یعنی مثلاً در نماز جمعه شلاق بخورد یا یا بنا بر آن توصیه امیرالمؤمنین علیه السلام در شهر گردانده شود^{۲۲}؛ باید آبروی او به چالش کشیده شود. در برخی از مجازات‌ها هم باید مالی را که از حیث باطل کسب کرده از وی گرفته

IFC, MIGA و ICSID بر تقویت بخش خصوصی در کشورهای در حال توسعه تمرکز دارند. از طریق این موسسات، بانک جهانی بودجه، کمک فنی، بیمه ریسک سیاسی و حل و فصل اختلافات را برای شرکت‌های خصوصی از جمله موسسات مالی فراهم می‌کند.

آدرس مطلب در بخش معرفی بانک جهانی به آدرس: www.worldbank.org

۲۱. به گزارش مشرق، رئیس‌جمهور، امروز در جمع مدیران بانک مرکزی برای پیشبرد نظر خود درباره لوایح مرتبط با FATF به اظهار نظر رهبر معظم انقلاب در ملاقات‌های خصوصی استناد کرد: «تصمیم‌گیر در این کشور دولت، مجلس و رهبری است؛ رهبری چند بار به من گفتند، نه یکبار، که با این لوایح چهارگانه مخالفتی ندارم. اینکه موضع رهبری، دولت هم که لایحه داده، مجلس هم تصویب کرده است، پس چه کسی مخالف است؟»

آدرس مطلب در خبرگزاری مشرق نیوز: yon.ir/FATFR

۲۲. وَ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ اسْتَدْرَكَ عَلَى ابْنِ هُرْمَةَ خِيَانَةً وَ كَانَ عَلَى سَوْقِ الْأَهْوَاذِ فَكَتَبَ إِلَى رِفَاعَةَ إِذَا قَرَأْتَ كِتَابِي فَتَحَّ ابْنَ هُرْمَةَ عَنِ السُّوقِ وَ أَوْقِفْهُ لِلنَّاسِ وَ اسْجُنْهُ وَ نَادِ عَلَيْهِ وَ اُكْتُبْ إِلَى أَهْلِ عَمَلِكَ تُعَلِّمُهُمْ رَأْيِي فِيهِ وَ لَا تَأْخُذْكَ فِيهِ عَفْلَةً وَ لَا تَفْرِيطَ فَتَهْلِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَغْزِلْكَ أَحْبَبْتَ عَزْلَةً وَ أَعِيدْكَ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرِجْهُ مِنَ السَّجْنِ وَ اضْرِبْهُ خَمْسَةً وَ ثَلَاثِينَ سَوْطاً وَ طُفَّ بِهِ إِلَى الْأَسْوَاقِ فَمَنْ أَتَى عَلَيْهِ بِشَاهِدٍ فَحَلَفْهُ مَعَ شَاهِدِهِ وَ ادْفَعْ إِلَيْهِ مِنْ مَكْسَبِهِ مَا شَهِدَ بِهِ عَلَيْهِ وَ مُزِّ بِهِ إِلَى السَّجْنِ مَهَانًا مَقْبُوحاً مَقْبُوحاً وَ اخْزِمْ رِجْلَيْهِ بِحِزَامٍ وَ أَخْرِجْهُ وَ قَتَّ الصَّلَاةَ وَ لَا تُحَلِّ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَنْ يَأْتِيهِ بِمَطْعَمٍ أَوْ مَشْرَبٍ أَوْ مَلْبَسٍ أَوْ مَفْرَشٍ وَ لَا تَدْعُ أَحَدًا يَدْخُلُ إِلَيْهِ مِمَّنْ يُلْقِنُهُ اللَّدْدَ وَ يُرْجِيهِ الْخُلُوصَ فَإِنَّ صَحَّ عِنْدَكَ أَنَّ أَحَدًا لَقِّنَهُ مَا يَضُرُّ بِهِ مُسْلِمًا فَاضْرِبْهُ بِالذَّرَّةِ فَاحْسِبْهُ حَتَّى يَثُوبَ وَ مُزِّ بِأَخْرَاجِ أَهْلِ السَّجْنِ فِي اللَّيْلِ إِلَى صَحْنِ السَّجْنِ لِيَتَفَرَّجُوا غَيْرَ ابْنِ هُرْمَةَ إِلَّا أَنْ تَخَافَ مَوْتَهُ فَتَخْرِجْهُ مَعَ أَهْلِ السَّجْنِ إِلَى الصَّحْنِ فَإِنْ رَأَيْتَ بِهِ طَاقَةً أَوْ اسْتِطَاعَةً فَاضْرِبْهُ بَعْدَ ثَلَاثِينَ يَوْمًا خَمْسَةً وَ ثَلَاثِينَ سَوْطاً بَعْدَ الْخَمْسَةِ وَ الثَّلَاثِينَ الْأُولَى وَ اُكْتُبْ إِلَيَّ بِمَا فَعَلْتَ فِي السُّوقِ وَ مَنْ اخْتَرْتَ بَعْدَ النَّحَائِنِ وَ أَقْطَعْتَ عَنِ النَّحَائِنِ رِزْقَهُ.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام خیانت ابن هرمه را دریافت. او مسؤول بازار اهواز بود. حضرت به رفاعه نوشت: «چون نامه‌ام را خواندی، ابن هرمه را از بازار برکنار کن و در برابر دیدگان مردم او را بازداشت و زندانی اش کن و جارچی، ماجرای او را باز گوید و به کارگزاران نامه بنویس و نظر مرا درباره وی به آنان اعلام کن و در این باره غفلت و تفریط تو را نگیرد که نزد خدا هلاک می‌شوی و تو را به بدترین شکل عزل خواهد کرد و تو را از این

شود.^{۲۳} حالا این را به مناسبت عرض کردم که بسیار مهم است که سعی کنیم روایت را بفهمیم؛ چرا امیرالمؤمنین علیه السلام که عاقل‌ترین مرد انبای بشر هستند («وَمَعَهُ الذَّرَّةُ عَلَى عَاتِقِهِ وَ كَانَ لَهَا طَرْفَانِ وَ كَانَتْ تُسَمَّى السَّبِيْبَةَ») چرا با این مفصلی داشتند مسئله مجازات در حوزه تجارت را هر روز یادآوری می‌کردند؟ از باب پیشگیری و انذار بوده است؛ و این مسئله بسیار مهمی است.

۲/۳. رعایت مناسک تقدیر در شغل عامل کسب رزق؛ از ثمرات باز تعریف شغل به ابزار بهبود سود ارتباطی

حالا روایت در ادامه چه می‌فرماید؟ از اینجا شاهد بحث بنده شروع می‌شود که دارد شرایط تجارت را بحث می‌کند؛ عرض کردیم نتیجه شرایط تجارت، تسعیر اختیاری می‌شود. نتیجه‌اش این می‌شود که در قیمت‌گذاری تأثیر می‌گذارد. حالا ببینید: می‌فرماید «قَالَ فَيَقِفُ عَلَى أَهْلِ كُلِّ سُوقٍ فَيُنَادِي فِيهِمْ» یک جایی از هر بازار می‌ایستاد و اهالی بازار را صدا می‌کرد می‌فرمود «يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ» صدایشان می‌کرد؛ می‌گفت ای کسانی که دارید تجارت می‌کنید. و بعد اینها را به آنان توصیه می‌کرد که همه اینها جزو مناسک تقدیر است.

۲/۳/۱. طلب خیر از خدای متعال (استخاره)، آسان‌گیری بر مشتری، رعایت حلم در برخورد با مشتری، پرهیز از قسم، دروغ و ظلم و کمک به

مظلوم در مبادلات و دوری از ربا؛ از جمله مصادیق قواعد بخشی لازم الاجرا در تسعیر اختیاری

می‌فرمود «قَدِّمُوا الْإِسْتِخَارَةَ» می‌فرمود اول تجارت این است که از خدا طلب خیر کنید حالا بعداً بعضی از روایات آن را می‌خوانم می‌فرماید اصل در تجارت این نیست که شما مطالبه تجارت کرده و در آن، حرص کنید. روایت اینگونه می‌فرماید «الْأَرْزَاقُ لَا تَمَالُ بِالْحَرَصِ وَ الْمُطَالِبَةُ»^{۲۴} وقتی شما دنبال رزق هستید رزق را با مطالبه به دست نیاورید با حرص به دست نیاورید حضرت فرمود اول تجارت همین است «قَدِّمُوا الْإِسْتِخَارَةَ» طلب خیر کنید بگویید خدایا روزی من به دست توست!

کار در پناه خدا قرار می‌دهم و چون روز جمعه شود، او را از زندان بیرون کش و سی و پنج تازیانه به او بزن و او را در بازارها بگردان و هر کس که علیه ابن هرمه شاهدهی آورد، او را علاوه بر داشتن يك شاهد سوگند بده و از درآمد ابن هرمه، هر چه علیه او شاهد شهادت داده به این شخص بده و دستور بده که او را با خواری و ذلت و دشنام به زندان برند و دو پایش را در بند کن و به هنگام نماز او را بیرون بیاور و مگذار که او با کسی که به نزد وی غذا و آب و لباس و زیرانداز می‌برد، خلوت کند و مگذار که کسی نزد وی برود که دفاع و خصومت را به وی یاد و به او امید رهایی بدهد و اگر ثابت شد نزد تو کسی است که به او چیزی یاد داده که به آن به مسلمانی ضرر برساند، آن کس را با تازیانه بزن و زندانی‌اش کن تا توبه کند و دستور بده که زندانیان را در شب به فضای باز زندان ببرند تا تفریح کنند جز ابن هرمه؛ مگر این که از مرگش بترسی که در این صورت او را به همراه زندانیان به حیاط زندان ببر و اگر دیدی که توان و قدرت دارد، او را پس از سی روز، سی و پنج تازیانه دیگر پس از سی و پنج تازیانه اول بزن و کاری را که درباره بازار می‌کنی و کسی را که پس از این خیانتکار انتخاب می‌کنی، به من گزارش بده و حقوق این خیانتکار را قطع کن.»

دعائم، ج ۲، ص ۵۳۲ / جامع احادیث الشیعة، ج ۳۰، ص ۴۷۶

۲۳. و من کلام له * فیما رده علی المسلمین من قطنع عثمان رضی الله عنه: وَ اللَّهُ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النَّسَاءِ وَ مَلَکَ بِهِ الْإِمَاءَ لَرَدَدْتُهُ فَإِنَّ فِی الْعُدْلِ سَعَةً وَ مَنْ صَاقَ عَلَیْهِ الْعُدْلَ فَالْجَوْرُ عَلَیْهِ أَضِیْقُ.

از سخنان آن حضرت است در رابطه با برگرداندن املاک بیت المال که عثمان به میل خودش به دیگران بخشیده بود: به خدا قسم اگر آن املاک را بیابم به مسلمین برمی‌گردانم، گر چه مهریه زنان شده باشد، یا با آن کنیزان خریده باشند. زیرا گشایش امور با عدالت است، کسی که عدالت او را در مضیقه اندازد، ظلم و ستم، مضیقه بیشتری برای او ایجاد می‌کند.

نهج البلاغه (للصباحی صالح)، ص ۵۷

۲۴. قال امیرالمؤمنین علیه السلام: الْأَرْزَاقُ لَا تَمَالُ بِالْحَرَصِ وَ الْمُطَالِبَةُ.

امام علی فرمود علیه السلام: «روزی‌ها با حرص و کثرت طلب به دست نمی‌آید».

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۵

حضرت در یک روایت زیبایی می فرماید «لکل رزق سبب فاجملوا فی الطلب»^{۲۵} می گوید حواستان باشد رزق با یک اسبابی نازل می شود چون «و فی السماء رزقکم و ما توعدون»^{۲۶} لذا «فاجملوا فی الطلب» اجمالا طلب رزق کنید یعنی نمی خواهد برای کسب درآمد، مفصل وقت بگذارید. کجا برنامه ریزی کنید؟ برنامه تان را در آن سبب بگذارید. دقت می کنید؟ در سبب مسئله را حل کنید. حالا روایت در اینجا می گوید ایشان هر روز صبح به تجار می فرمود «قدّموا الإستهارة» اول تجارت این است، حواستان باشد آقایان تاجر! بعد می فرمودند «و تبرّکوا بالسّهولة» می فرمود برکت خدا را با آسان گیری بر مشتری بر خودتان نازل کنید. حالا که شما فهمیدید اصل در رزق، مطالبه نیست؛ اصل در رزق، اسبابی است که ما به آن، مناسک تقدیر می گوئیم. حضرت در آن روایت فرمود رزق سبب دارد؛ مرادشان همین مناسک تقدیر است. حالا یکی از این اسباب چیست؟ «و تبرّکوا بالسّهولة» با مشتری آسان گیر باشید. برای چه سخت گیری می کنید؟ با مشتری راه بیابید. حالا این «و تبرّکوا بالسّهولة» مصادیق مختلفی پیدا می کند. می فرماید «و اقتربوا من المبتاعین» تعابیر حضرت خیلی بلند است می فرماید به خریدارها نزدیک شوید و کاری نکنید به مغازه تان نیابند. یکی از ابزارهای تان که کمک می کند فروشنده به خریدار نزدیک شود، مسئله قیمت گذاری است. وقتی قیمت کالاهايش را ارزان تر بدهد، خریدار به فروشنده نزدیک می شود. جالب است که همه تعابیر حضرت بر مبنای سود ارتباطی است: می فرماید «و اقتربوا من المبتاعین» می گوید رابطه خود با مشتری را بهم نزن. اینکه ما دائما عرض می کنیم اصل حاکم بر مکاسب اسلام، سود ارتباطی است؛ یکی دیگر از مصادیق روشنش همین است. بعد می فرماید «و تزيّنوا بالحلم» خودتان را در مسئله تجارت با حلم زینت بدهید. دیده اید برخی از کاسبها همواره اعصابشان خرد است و -به تعبیر محاوره ای- حوصله سر و کله زدن با مشتری را ندارند؛ حضرت می فرماید این، شما را دچار چالش می کند. بعد «و تهاووا عن اليمين» در معامله قسم نخورید «و جابثوا الكذب» دروغ نگویید «و تجافوا عن الظلم» از ظلم عبور کنید «و أنصفوا المظلمين» اگر دیدید کسی مورد ظلم قرار گرفته، با انصاف با او برخورد کنید «و لا تقربوا الربا» به ربا نزدیک نشوید «أحببت المکاسب کسب الربا»^{۲۷} به ربا نزدیک نشوید. بعد آیه ای را برای تجار می خواندند «و أوفوا الکيل و

۲۵. قال علی عليه السلام: لكل رزق سبب فاجملوا في الطلب.

امام علی عليه السلام: هر روزی ای را وسیله ای است؛ پس در طلب مال اعتدال را رعایت کنید.

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۴۳

إبراهيم بن أبي البلاد عن أبيه عن أحدهما عليهما السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا أيها الناس إنه قد نفت في روعي روح القدس أنه لن تموت نفس حتى تستوفي رزقها وإن أبطأ عليها فاتقوا الله عز وجل وأجملوا في الطلب ولا يحملنكم استبطاء شيء مما عند الله عز وجل أن تصيبوه بمعصية الله فإن الله عز وجل لا ينال ما عنده إلا بالطاعة.

ابو البلاد گوید: امام (باقر یا امام صادق عليه السلام) فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: ای مردم! به راستی که روح القدس به من الهام کرد که هیچ کس نمی میرد تا آن گاه که رزق و روزی اش را به طور کامل دریافت کند حتی اگر به کندی به دستش برسد، پس تقوای الهی پیشه کنید و در طلب روزی اجمال کنید، و کندی رسیدن روزی الهی شما را بر آن ندارد که با معصیت خداوند در پی آن بروید، چون جز با اطاعت از او به دست نمی آید.

الکافی، ج ۵، ص ۸۰

۲۶. و فی السماء رزقکم و ما توعدون / ذاریات، ۲۲

و رزق شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان است. [ترجمه انصاریان]

۲۷. أحمد بن محمد عن ابن فضال عن أبي جميلة عن سعد بن طريف عن أبي جعفر عليه السلام قال: أحببت المکاسب کسب الربا.

امام باقر عليه السلام: خبیث ترین درآمدها، درآمد از ربا است.

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۷

المِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»^{۲۸} این آیه را وسط نصیحت‌هایشان برای اهل بازار می‌خواندند. خب این، مجموعه توصیه‌هایی بود که امیرالمؤمنین علیه السلام در هر تجارتی به اهل آن بازار می‌فرمود. بعضی از آنها مثل «وَ اقْتَرِبُوا مِنَ الْمُتَبَاعِينَ» بسیار روشن است که ظهور در خود تسعیر دارد ولی دارد اثر تسعیر را بر ملاحظه مشتری اشاره می‌کند. برخی‌هایش مقدمات بحث تسعیر هستند؛ ولی به هر حال امیرالمؤمنین علیه السلام دارند یا به نحو مقدمه یا به نحو مستقیم در مسئله تسعیر اختیاری بحث می‌کنند. حالا این هم جالب است می‌گویند «فَيَطُوفُ فِي جَمِيعِ الْأَسْوَاقِ الْأَسْوَاقِ الْكُوفَةِ» در همه بازارهای کوفه می‌رفتند و همین بحث‌ها را انجام می‌دادند. توجه کنید که حاکم مسلمین اینگونه جامعه را اداره می‌کرد. بعد می‌فرماید «ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَقْعُدُ لِلنَّاسِ» حالا روایت نگفته کجا برمی‌گشتند -لابد به دارالاماره بازمی‌گشتند- ولی می‌آمدند و می‌نشستند و مشکلات مردم را حل می‌کردند. بعد می‌گوید وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام داشتند این کارها را می‌کردند مردم هم اینگونه بودند که «وَ كَانَ إِذَا نَظَرُوا إِلَيْهِ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْهِمْ» امیرالمؤمنین علیه السلام که این بحث‌ها را می‌فرمودند تاجرها هر کاری را داشتند انجام می‌دادند کنار می‌گذاشتند همانجا «قد اقبلوا» به این حرف‌ها اقبال می‌کردند و برمی‌گشتند به امیرالمؤمنین علیه السلام نگاه می‌کردند «وَ قَالَ يَا مَعْشَرَ النَّاسِ أَمْسِكُوا أَيْدِيَهُمْ وَ اصْغُوا إِلَيْهِ بِأَذَانِهِمْ» ایشان یک توصیه‌هایی می‌کردند و مردم هم گوش می‌دادند «وَ رَمَقُوهُ بِأَعْيُنِهِمْ» با چشم‌هایشان هم به امیرالمؤمنین علیه السلام نگاه می‌کردند «حَتَّى يَفْرُقَ مِنْ كَلَامِهِ» تا حضرت کلامشان تمام می‌شد بعد می‌گفتند «فَإِذَا فَرَغَ قَالُوا السَّمْعَ وَ الطَّاعَةَ» هم گوش می‌دهیم و راجع به فرمایشات شما فهم داریم و هم اطاعت می‌کنیم. حالا شاهد بحث بنده در این روایت چه بود؟ -این روایت، روایات مشابه هم دارد- وقتی ما می‌گوییم اختیار در تجارت و در سوق مسلمین و در مسئله قیمت‌گذاری باید با اهالی بازار و اطراف معامله باشد، از این طرف مسئله تسعیر اختیاری را محفوف کردند به این شروطی که محضران عرض کردم؛ یعنی اینگونه نیست که شارع مقدس گفته باشد هرکاری دلتان خواست انجام دهید. نه! اختیار یعنی مقام تصمیم‌گیری را به فرد مکلف، تاجر و طرف مشتری داده ولی از آن طرف این اختیار را به ابزار و مناسک رزق محفوف کرده است. حالا اگر شما به مرحله دوم بیایید -محل بحث بنده اینجا است؛ یعنی می‌خواهم اینگونه نتیجه بگیرم -یعنی این روایات را با دو دسته از روایات جمع کنید؛ آن معنایی که من عرض کردم شغل تقدیر را تغییر داده و باعث تزکیه می‌شود کاملاً وضوح پیدا می‌کند.

۲/۴. دینداری، پرهیز از گناه و ذنب و رعایت صبر و حلم در مبادلات؛ از جمله قواعد (روایات) عام حاکم بر تسعیر اختیاری

دسته اول روایات، روایات عامی هستند که مسئله رزق را به دین یا به عدم گناه وابسته دانسته‌اند خود اینها هم دو دسته روایات هستند یعنی یک طرف شرایط عدم رعایت اسباب رزق و مناسک رزق را بحث کرده‌اند و در یک طرف دیگر آثار رعایت را بحث کرده‌اند مثلاً حضرت فرمود «مَنْ رَزَقَ الدِّينَ فَقَدْ رَزِقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»^{۲۹} همه این مسائلی که الان بنده از قول امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردم همه جزو دین هستند. حالا اینجا می‌فرماید اگر رزق کسی این شد که دین را رعایت کند در واقع

۲۸. وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كُنْتُمْ وَ زُنُوا بِالْفُسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا / اسراء، ۳۵ و هنگامی که [جنسی را] پیمانه می‌کنید، پیمانه را کامل بدهید، و [اجناس قابل وزن را] با ترازوی صحیح وزن کنید، این برای شما بهتر و فرجامش نیکوتر است [ترجمه انصاریان]

۲۹. قال امیرالمؤمنین علیه السلام: مَنْ رَزَقَ الدِّينَ فَقَدْ رَزِقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

امام علی علیه السلام: هر که دین روزی‌اش شود، خیر دنیا و آخرت، روزی‌اش شده است.

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۲۰ / عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص ۴۵۰

چه اتفاقی برایش رقم خورده است؟ رزق خیر دنیا و آخرت برای او حاصل شده است. یعنی شما انسان‌ها را به نحو اختیاری در فضای تزکیه می‌برید؛ منتها از پایگاه تجارت.

یا یک دسته روایات دیگری جزو همین دسته وجود دارد که مثلاً می‌فرماید «الصَّبْرُ خَيْرٌ مَرَكَبٍ مَا رَزَقَ اللَّهُ عَبْدًا خَيْرًا لَهُ»^{۳۰} اگر خدای متعال، حلم و صبر را رزق بنده‌ای کرد این، به نفع اوست. «و لَا أَوْسَعَ مِنَ الصَّبْرِ» هیچ چیزی به اندازه صبر، انسان را وسعت نمی‌دهد. می‌دانید که صبر، ابزار سود ارتباطی است و افراد را از پایگاه سود ارتباطی وسعت می‌دهد. مثلاً فرض کنید یک آدمی، وقتی طرف مقابلش یک تخلف می‌کند زود به انقطاع و اصطکاک می‌رسد اما یک آدمی ضمن اینکه اصول را رعایت می‌کند پنج سال با یک فرد دیگر مدارا می‌کند. هم دیگران با این قطع ارتباط نمی‌کنند و هم خود آن فرد متخلف که دائماً اصول را نادیده می‌گیرد قضاوت منفی در درونش نمی‌کند. اگر فرد منصفی باشد می‌گوید من دائماً اصول را رعایت نمی‌کنم - مثلاً ما در مباحثات الگو می‌گوییم اتقان ضربر زمان یک اصل است - ولی با ما مدارا صورت می‌گیرد. ببینید وسعت ایجاد می‌کند؛ وسعت از چه پایگاهی انجام می‌پذیرد؟ از پایگاهی که عداوت زدوده می‌شود و سود ارتباطی اصل قرار می‌گیرد.

این‌ها مجموعه روایاتی هستند که به ما کمک می‌کنند اثر مناسک تقدیر را متوجه شویم. مثلاً در روایت دارد: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الدَّنْبَ فَيَرْوَى عَنْهُ الرَّزْقُ»^{۳۱} بنده خدا گناه می‌کند و رزق از او برداشته می‌شود. پس ما دو دسته روایات داریم. یک دسته روایاتی که به نحو خاص و موردی درباره اثر رعایت مناسک تقدیر در توسعه رزق بحث می‌کند؛ مانند روایت «صبر» که خواندم و یک دسته هم روایاتی است که به طور عام درباره اثر رعایت مناسک تقدیر در توسعه تقدیر و رزق را بحث می‌کند؛ مانند روایتی که درباره دین خواندم: «مَنْ رَزَقَ الدِّينَ فَقَدْ رَزَقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» در این روایت نیز به نحو مطلق فرمودند؛ پس هر دو دسته از روایات کمک می‌کنند؛ پس مسئله تجارت به نحوی که مکاتب اقتصادی موجود می‌گویند، در میان نیست. شما تجارت را از پایگاه توسعه تقدیر و تزکیه دنبال می‌کنید. این خیلی مسئله مهمی است که باید به آن توجه کنیم. لذا وقتی ما عرض می‌کنیم اگر تسعیر اختیاری را حذف کنید، ماهیت شغل را تنزل دادید، به این دلیل این حرف را زدیم که در فرآیند تسعیر اختیاری، حذف این مجموعه از مناسک تقدیر اتفاق افتاده است. وقتی حاکم به طور مستقیم تسعیر کرد، رعایت این شرایط برای طرفین معامله موضوعیت پیدا نمی‌کند و بسیاری از آن مرتفع می‌شود! از این بدتر این است که تجارت الکترونیک^{۳۲} شود!

۳۰. وَ عَنْهُ [رَسُولِ اللَّهِ ﷺ]: الصَّبْرُ خَيْرٌ مَرَكَبٍ مَا رَزَقَ اللَّهُ عَبْدًا خَيْرًا لَهُ وَ لَا أَوْسَعَ مِنَ الصَّبْرِ.

پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: صبر بهترین مرکب است، آنچه را خدا به بنده عنایت می‌کند، خیر او است ولی هیچ چیزی به وسعت و گسترش صبر نیست. [ترجمه مخبر دزفولی]

مسکن الفؤاد عند فقد الأعبة و الأولاد، ص ۴۵ / بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۳۹

۳۱. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانَ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الدَّنْبَ فَيَرْوَى عَنْهُ الرَّزْقُ.

امام باقر عليه السلام فرمود: همانا بنده مرتکب گناه می‌شود و روزی از او برکنار می‌گردد.

الکافی، ج ۲، ص ۲۷۰

۳۲. Electronic commerce or e-commerce (sometimes written as eCommerce) is a business model that lets firms and individuals buy and sell things over the internet .

تجارت الکترونیکی یا e-commerce (که گاهی به صورت eCommerce نیز نوشته می‌شود) یک الگوی تجاری است که به شرکت‌ها و افراد اجازه می‌دهد تا چیزهایی را از طریق اینترنت بخرند و بفروشند.

آدرس مطلب در دانشنامه سرمایه‌گذاری و آموزش امور مالی (اینوستوپدیا): yon.ir/PIaH

شما در یک سایتی وارد می‌شوید و خرید می‌کنید. آینده تجارت دنیا را که دیده‌اید که به محوریت «کلبه‌های الکترونیک تافلر»^{۳۳} یا بعضی از مدل‌های دیگر بحث می‌کنند و اساساً ارتباط بین مشتری و خریدار قطع می‌شود و هیچ کدام از این مناسک تقدیر، موضوع تحقق پیدا نمی‌کند؛ یعنی دارید موضوعاً به این سمت می‌روید که مناسک رزق را حذف کنید؛ بنابراین توسعه تقدیر هم به چالش کشیده می‌شود.

من این روایت را بخوانم که بحث تکمیل شود. جناب ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «قال امیرالمؤمنین علیه السلام تَوَقُّوا الدُّنُوبَ»^{۳۵} مردم از گناه عبور کنید. امام علیه السلام در اینجا به نحو عام بحث می‌کنند و قبلاً بعضی از مصادیق این گناهان را در حوزه تجارت بحث کردیم؛ مثل ربا، سخت‌گیری در معامله و ... در ادامه حضرت می‌فرماید: «فَمَا مِنْ بَلِيَّةٍ وَلَا نَقْصٍ رِزْقٍ إِلَّا بِذَنْبٍ حَتَّى الْخَدَشِ وَالْكَبُورَةِ وَالْمُصِيبَةِ» می‌فرماید هیچ بلا و نقص رزقی نیست مگر سبب آن یک گناه است. هر وقت دیدید به یک ابتلائی [مبتلا شدید، یک احتمال درباره آن گناه است]. روایت خیلی دقیق است؛ می‌فرماید حتی وقتی پایتان به یک سنگی می‌خورد، یعنی یک مصیبت خیلی ساده برایتان پیش می‌آید، این به دلیل گناه است. بعد امیرالمؤمنین علیه السلام به این آیه قرآن استدلال می‌کنند: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» امیرالمؤمنین علیه السلام این آیه را خواندند؛ هر مصیبتی که به شما می‌رسد به خاطر کسب خودتان است؛ بنابراین وقتی شما راجع به مسئله کسب بحث می‌کنید، باید در بازار این را مطرح کنید که ای مردم! در کنار کسب سود مالی، کسب سود ارتباطی و سود آخرتی را هم لحاظ کنید. عرض بنده این است که این دعوت‌ها آن موقعی موضوعیت پیدا می‌کند که «تسعیر اختیاری» باشد؛ یعنی اجازه دهید خود مردم رفتار کنند. حال سَرِّ اینکه چرا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هرگز تسعیر حکومتی نکردند، مشخص می‌شود؛ برای اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام توجه داشتند اگر فقط و فقط در تسعیر دخالت کنند، زمینه عدم اجرای این همه حکم را تعطیل می‌کنند؛ در حالی که وقتی افراد در حوزه کسب و تسعیر اختیار داشته باشند، با هر معامله‌ای می‌توانند این اسباب رزق را

۳۳. آلون تافلر، (آلون یوجین تافلر)، آینده پژوه آمریکایی (متولد ۴ اکتبر ۱۹۲۸، نیویورک - درگذشت ۲۷ ژوئن ۲۰۱۶، لس آنجلس، کالیفرنیا)، کتابهایی همچون Future Shock (۱۹۷۰) و کتاب موج سوم (۱۹۸۰)، که در آن سعی در پیش‌گویی و توصیف تغییرات اقتصادی و اجتماعی که احتمالاً در عصر پسا صنعتی به سرعت تحقق می‌یابد نوشته است.

آدرس مطلب در پایگاه رسمی دایره المعارف بریتانیکا: yon.ir/OMM9Q

۳۴. منظور از کلبه الکترونیک این است که ابزارهای الکترونیک این امکان را به افراد می‌دهند تا از راه دور به شغل‌های متمرکز در خانه روی آورند و این ورود به موج جدید تاریخی است. البته به گفته خود تافلر این مسیر دارای مشکلاتی همچون انگیزش کار و مدیریت، تجدید سازمان اجتماعی، تجدید سازمان‌ها و شرکت‌ها است و همچنین پذیرفته است که هیچگاه نمیتوان تماس رودرو را قطع کرد. کلبه الکترونیک به عنوان راه حلی برای مدیریت عدم توانایی ارکان دولتی در موضوع کثرت سفرهای درون و بین شهری ادعا شده است.

برگرفته از ترجمه کتاب موج سوم، نویسنده الوین تافلر، مترجم شهیندخت خوارزمی، صفحات ۲۶۹ تا ۲۹۰

۳۵. حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ الْيَقْطِينِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ علیه السلام أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعًا بَابَ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ: ... عَنْ تَوَقُّوا الدُّنُوبَ فَمَا مِنْ بَلِيَّةٍ وَلَا نَقْصٍ رِزْقٍ إِلَّا بِذَنْبٍ حَتَّى الْخَدَشِ وَالْكَبُورَةِ وَالْمُصِيبَةِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ...

امام علی علیه السلام: از گناهان دوری کنید که هیچ بلا و کمبود روزی نیست؛ مگر این که از ناحیه گناه است. حتی خراش در بدن، به رو زمین خوردن و مصیبت. خداوند متعال می‌فرماید: «آنچه مصیبت به شما می‌رسد نتیجه عملکرد شماست و خدا از بسیاری می‌گذرد».

لحاظ کنند یا نکنند و عواقب آن را ببینند. با شغل زمینه تزکیه جامعه را فراهم می‌کردند؛ لذا این روایات خیلی دقیق است. من از اینجا می‌خواهم بحثی را مطرح کنم: می‌فرماید: «مَا سَعَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيَّ أَحَدٌ»^{۳۶} حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حتی برای یک معامله هم حاضر نشد قیمت گذاری کند؛ چرا؟ چون شما با عقل سکولار ممکن است بگویید اگر حاکمیت ورود پیدا کند و قیمت گذاری کند، طرفین سودهایی می‌برند ولی مراد از سود در این تحلیل، محدود است ولی امیرالمؤمنین علیه السلام در این دستور، می‌خواهند زمینه سود در تقدیر و زمینه رعایت مناسک تقدیر در تجارت را لحاظ کنند. من دیروز که از جلسه رفتم، به نظرم آمد این را یک مقدار تفصیلی‌تر توضیح بدهیم که چرا تسعیر اختیاری موضوعیت دارد؟ ما مکرر می‌گوییم: به اجماع فقها، تسعیر حاکمیت به اصل اولی حرام است ولی نمی‌گوییم چرا شارع مقدس این حد بر تسعیر اختیاری اهمیت داده است؟ علت این است که شرایط منتج به تسعیر، همان اصول و مناسک تقدیر هستند و اگر حاکمیت فقط و فقط تسعیر انجام دهد، در مسئله عام‌البلوایی مثل شغل و کسب و تجارت، شما زمینه عدم رعایت و تحقق آن مناسک تقدیر را عمومی می‌کند. خواهش می‌کنم به این استدلال توجه کنید. ما در این بخش دو دسته روایت خواندیم، البته من به نحو تلفیقی خواندم. یک دسته روایاتی که به نحو عام اثر مناسک تقدیر را در توسعه یا ضیق تقدیر بحث می‌کنند؛ یک دسته هم روایاتی که به نحو خاص درباره یک حسنه اصل خاص در تقدیر مثل صبر بحث می‌کند. این‌ها دو دسته از روایات بودند.

۲/۵. قیمت گذاری یک طرفه از جانب تولید کننده و عرضه کننده (مجبور و مورد ظلم قرار دادن خریدار) و ورود نهاد های حکومتی برای تعدیل قیمت و رفع ظلم؛ نتایج نقض ساختاری تسعیر اختیاری توسط الگوی تولید و بازار متمرکز

من بحثم را جمع‌بندی کنم. از این بحثی که کردم دو نتیجه می‌توان گرفت: در شرایطی که الگوی تولید یک جامعه و الگوی بازار یک جامعه متمرکز است، قیمت گذاری توسط طرف تولید کننده و عرضه کننده انجام می‌شود. طرف مشتری مجبور به پذیرش این قیمت است و در مواردی که ظلم اتفاق می‌افتد، نهادهایی مثل شورای رقابت^{۳۷} ورود پیدا می‌کنند و شروع به تعدیل و تغییر قیمت‌ها می‌شود؛ بنابراین در شرایط الگوی تولید متمرکز، اساساً زمینه اینکه طرفین حکم مترقی تسعیر اختیاری را محقق کنند، وجود ندارد و این عدم تحقق تسعیر اختیاری، موردی نیست بلکه ساختاری اتفاق می‌افتد؛ یعنی شما ساختار غلطی را در اقتصاد جامعه طراحی کرده‌اید تا زمینه تحقق تسعیر اختیاری از بین برود. این اتفاقی است که الآن در حال تحقق است. بنابراین اگر کسی می‌خواهد حکم شریف تسعیر اختیاری را رعایت کند [باید زمینه آن را فراهم کند]. الآن سال‌هاست که در جمهوری اسلامی ایران و تقریباً همه کشورهای های دنیا زمینه ایجاد تسعیر اختیاری وجود ندارد. چون الگوی تولید

۳۶. وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ التَّسْعِيرِ فَقَالَ مَا سَعَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ علیه السلام عَلَيَّ أَحَدٍ وَ لَكِنْ مَنْ نَقَصَ عَنْ بَيْعِ النَّاسِ قِيلَ لَهُ بَعْ كَمَا يَبِيعُ النَّاسُ وَ إِلَّا فَازَقَ مِنَ السُّوقِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ طَعَامُهُ أَطْيَبَ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ.

از امام باقر علیه السلام در مورد تسعیر سؤال شد. فرمودند: امیرالمؤمنین علیه السلام بر کالای کسی قیمت گذاری نمود و لکن به کسی که بیش از قیمت متعارف کالایش را عرضه می‌کرد، آن گونه که مردم می‌فروشدند، بفروش و در غیر این صورت از بازار بیرون رو، مگر اینکه کالایی که او عرضه می‌کرد مرغوب‌تر از کالایی بود که در بازار عرضه می‌شد.

دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۶

۳۷. بر اساس ماده ۵۴ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به منظور انجام امور کارشناسی و اجرای فعالیت‌های دبیرخانه‌ای شورای رقابت، مرکز ملی رقابت در قالب موسسه‌ای دولتی مستقل زیر نظر رییس جمهور در سال ۱۳۸۹ تاسیس گردید. فعالیت‌ها و وظایف اصلی مرکز در زمینه انجام پژوهش‌های اقتصادی و بررسی بازار از منظر توسعه رقابت در کارگروه‌های متعددی انجام می‌شود که برخی از آن‌ها عبارتند از: کارگروه خودرو، مخابرات و برق.

صنعتی است، خود تولید کننده قیمت تمام شده کالای خود را ارائه می دهد و حتی قیمت را بر روی کالا درج کرده و می گوید که قیمت کالای من این میزان است و شما مجبورید که آن کالا را به این قیمت تهیه کنید. در بسیاری از مواقع نیز وقتی مثلاً کارخانه شیری برای یک لیتر شیر قیمت گزافی را طلب می کند شورای رقابت ورود پیدا کرده و در واقع حکومت تسعیر می کند.

بنابراین در این حکم تعطیلی اتفاق افتاده است. احکام اسلام در این مسئله تعطیل شده است و با توضیحی که عرض کردم معلوم شد که تسعیر اختیاری یک حکم نیست بلکه یک حکم محفوف به دهها حکم است که همه آنها در ترکیه و تربیت مؤثر هستند. این مطلب سر این است که «مَا سَعَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَى أَحَدٍ»؛ این مطلب سر این است که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود که تسعیر بدعت است و مقابل آن مقاومت می کردند.^{۳۸} دیدید که در بعضی از روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است پیامبر صلی الله علیه و آله با کسی که از ایشان طلب تسعیر می کرد برخورد می کردند. نه تنها می فرمودند این مسئله بدعت است بلکه با حالتی که نشان دهنده نارضایتی شدید ایشان بود این معنا را مطرح می کردند.^{۳۹} پیداست که امیرالمؤمنین علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله در شرایطی قرار می گرفتند که مردم به اصل عقلایی تقاضا کنند که حضرات تسعیر کنند ولی با این حال به دلیل منافع گسترده تسعیر اختیاری به سمت تسعیر نمی رفتند و قیمت گذاری از طرف حاکمیت را نفی می کردند.

۳۸. وَقِيلَ لِلنَّبِيِّ صلی الله علیه و آله لَوْ سَعَرْتَ لَنَا سَعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَرِيدُ وَ تَقْفُصُ فَقَالَ صلی الله علیه و آله مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى بِيَدَعَةٍ لَمْ يُحَدِّثْ إِلَيَّ فِيهَا شَيْئًا فَدَعُوا عِبَادَ اللَّهِ بِأَكْلِ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ وَإِذَا اسْتَضَحَّكُمْ فَانْصَحُوا

به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: ای کاش برای اجناس قیمت می گذاری زیرا مرتب نرخها زیاد و کم می شود، فرمود: من نمی خواهم در حالی خدا را ملاقات کنم (از دنیا بروم) که بدعتی گذارده باشم و دستوری بر آن بمن نرسیده باشد، مردم را رها کنید از یک دیگر استفاده برند، و هر گاه از شما سر (نرخ) وقت را خواستند اخلاص ورزید و راست بگوئید (و اگر نرسیدند شما آنها را رها کنید).

من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۶۸

۳۹. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ وَهَيْبٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ صَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ مَرَّ بِالْمُحْتَكِرِينَ فَأَمَرَ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ تُخْرَجَ إِلَى بُطُونِ الْأَسْوَاقِ وَ حَيْثُ تَنْظُرُ الْأَبْصَارُ إِلَيْهَا فَقِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَوْ قَوْمَتْ عَلَيْهِمْ فَعَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله - حَتَّى عُرِفَ الْعَضْبُ فِي وَجْهِهِ فَقَالَ أَنَا أَقَوْمٌ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا السَّعْرُ إِلَى اللَّهِ يَرْفَعُهُ إِذَا شَاءَ وَ يَخْفِضُهُ إِذَا شَاءَ.

حدیث کرد ما را احمد بن زیاد بن جعفر همدانی علیه السلام گفت که حدیث کرد ما را علی بن ابراهیم بن هاشم از پدرش از غیاب بن ابراهیم از حضرت جعفر بن محمد از پدرش از جدش علیه السلام که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله گذشت بنگه دارندگان غله و خوردنی که آن را برای روز گرانی نگاه می داشتند پس امر فرمود که غله و خوردنی ایشان که برای روز گرانی نگاه داشته بودند به سوی شکم های بازارها و در جایی که دیدها به سوی آن می نگرست بیرون برده شود پس به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض شد که اگر بر ایشان قیمت می کردی و نرخ آن را معین می فرمودی بد نبود یا کاش چنین می کردی حضرت صلی الله علیه و آله خشم فرمود به مرتبه ای که خشم در روی مبارکش شناخته شد و فرمود که آیا من بر ایشان قیمت می کنم جز این نیست که نرخ با خدای عز و جل است که آن را بالا می برد چون خواهد و فرود می آورد آن را چون خواهد و به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض شد که کاش نرخ را از برای ما نرخ می کردی و در باب آن قرار دادی می دادی زیرا که نرخها زیاد می شود و کم می شود حضرت صلی الله علیه و آله فرمود که من چنان نیستم که خدای عز و جل را ملاقات کنم با بدعت و تازه که در باب آن چیزی را به سوی من احداث نفرموده باشد پس بندگان خدا او را واگذارید تا از یک دیگر بخورند. [ترجمه اردکانی]

۲/۶. فوائد کثیر اجرای حکم تسعیر اختیاری در الگوی تولید و الگوی بازار؛ علت عدم ورود حکومت در قیمت گذاری

فی الجملة اینجا سوالی مطرح می‌کنم که چرا ما نمی‌توانیم بگوییم که بنا بر اصل ثانویه نیز فقیه و حاکمیت می‌توانند در مسئله تسعیر ورود پیدا کنند؟ من می‌خواهم در این قول مشهور یک ان قلتی را مطرح کنم؛ چون فرمود: «و ما سعر امیر المؤمنین علی (حد)» این شرایط ثانوی و اضطراری که برای ما به وجود می‌آید در دوران امیر المؤمنین علیه السلام نیز به وجود می‌آمده و بعضی از روایات نیز همین را می‌گویند که مردم به حضرت می‌گویند که قیمت‌ها دائماً در حال کم و زیاد شدن است؛^{۴۰} شما به قیمت گذاری ورود پیدا کنید تا منافع طرفین حفظ شود ولی حضرت می‌فرمودند که این مسئله بدعت است و در آن ورود پیدا نمی‌کردند. پس آن شرایطی که حضرت در آن می‌فرمودند که تسعیر حاکم بدعت است، همین شرایط ثانویه است نه شرایط اولیه. در شرایط اولیه که همه به این قائلیم که تسعیر توسط حاکمیت حرام است. پیداست که این شرایط مربوط به شرایط ثانویه است. این یک دلیل که حضرت با وجود شرایط ثانویه می‌فرمودند که این مسئله بدعت است و دلیل دیگر این که وقتی خیلی شرایط سخت می‌شد زمینه‌های تسعیری که به ضرر طرف خریدار بود را مدیریت می‌کردند؛ مانند نامه ۵۳ نهج البلاغه که خدمتتان عرض کردم؛^{۴۱} یعنی به این سمت نمی‌رفتند که قیمت گذاری مستقیم کنند بلکه جلوی احتکار را می‌گرفتند. عرض کردیم که جلوگیری از زمینه‌های منجر به قیمت گذاری ظالمانه غیر از قیمت گذاری است.

لذا این سؤال را نیز ان شاء الله دقیق‌تر در دوره‌های تفصیلی عرض می‌کنیم که آیا در شرایط ثانویه می‌توانیم تسعیر حاکم را امضاء کنیم؟ یعنی آیا می‌توانیم به مفاد قاعده «لَا ضَرَّ»^{۴۲} و «لَا حَرَجَ»^{۴۳} استناد کنیم. ظاهر قضیه به ادله‌ای که عرض کردم

۴۰. ر.ک پاورقی ۳۸.

۴۱. قال امیر المؤمنین علیه السلام: ... اعلم مع ذلك ان في كثير منهم ضيقاً فاجشاً و شحاً قبيحاً و احتكاراً للمنافع و تحكماً في البياعات و ذلك باب مصرة للعامة و عيب على الولاة فامنع من الاحتكار فان رسول الله منع منه و ليكن البيع بيعاً سمحاً بموازين عدل و اشعار لا تجحف بالقرينين من البائع و المشتاع فمن قارف حكرة بعد نهيك اياه فنكل به و عاقبه [من] في غير اسراف ...

امام علی فرمود علیه السلام: ولی روشن باش که با همه آنچه تذکر دادم [که شامل تمجید از صنعت‌گران و تجار بود] در میان ایشان گروهی تنگ نظر و بخیل به شکلی قبیح و زشت، و مردمی محتکر و نرخ‌گذارانی به دلخواه در امر خرید و فروش وجود دارد که در این وضع زیان جامعه و عیب و ننگ زمامداران است. بنابراین از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را منع فرمود. داد و ستد باید آسان باشد و بر موازین عدالت صورت گیرد و به نرخی معامله شود که به فروشنده و خریدار اجحاف نشود. هر گاه کسی پس از نهی تو دست به احتکار زد او را مجازات کن ولی در مجازاتش از زیاده‌روی بپرهیز. [ترجمه انصاریان]

نهج البلاغه، ص ۴۳۸

۴۲. قاعدة لا ضرر: و هي اخبار الشارع بعدم جعله الحكم الضري في شرعه و دینه تکلیفياً کان أو وضعياً.

قاعده لا ضرر: عبارت است از حکم شارع بر عدم جعل حکم ضرری در شریعت و دینش (حکم تکلیفی یا وضعی باشد).

معجم المصطلحات الاصولية، ص ۱۲۶

علي بن محمد بن بندار عن أحمد بن أبي عبد الله عن أبيه عن بعض أصحابنا عن عبد الله بن مسكان عن زرارة عن أبي جعفر قال ... قال رسول الله: لا ضرر و لا ضرار على مؤمن.

رسول خدا ص فرمود: زیان و زیان‌رساندن بر مؤمنین [در اسلام] نیست.

کافی ج ۵ ص ۲۹۴

۴۳. قاعدة نفي العسر و الحرج: القاعدة تقضي بنفي كل حكم شرعي عن المكلف يوجب العسر أو الحرج عليه، فإذا كان الموضوع في الشتاء أو غير الشتاء يشكل عسراً أو حرجاً على المكلف سقط و وجب التيمم. استدلال عليها بآيات من قبيل: يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ و لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ و مَا جَعَلَ عَلَيْكُمُ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مضافاً إلى الروايات المستفيضة، بل عدت القاعدة من ضروريات الفقه.

این است که شاید نتوان این کار را کرد. البته بحث را به صورت تفصیلی تر و با ابعاد بیشتر بعداً بحث و بررسی می‌کنیم ولی فقط خواستم سؤال آن در ذهن شما ایجاد شود. روح سؤال نیز همین یک جمله بود که آیا وقتی امیرالمومنین علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله مورد مطالبه تسعیر قرار می‌گرفتند؛ یعنی مردم از آنها تقاضا می‌کردند که قیمت گذاری کنند؛ حالا آیا این بزرگواران در شرایط ثانویه مورد مطالبه قرار می‌گرفتند یا نه؟ این مطالبه در شرایط اولیه بوده است. اگر بگویید که در شرایط اولیه بوده است دیگر طلبی برای تسعیر معنا ندارد چرا که شرایط برقرار بوده و قیمت‌ها عادلانه است. بنابراین معنا ندارد که کسی از حضرت طلب کند که ایشان تسعیر را مدیریت کنند. پس پیداست شرایط خود این روایات، شرایط ثانویه است. همین شرایط ثانویه‌ای که ما از باب «لَا ضَرَرَ» و «لَا حَرَجَ» می‌گوییم که تسعیر حاکم جایز است. حال اینکه چرا حضرت در شرایط ثانویه از تسعیر امتناع می‌کردند؟ بنده سعی کردم ادله این موضوع را توضیح بدهم که نهفته بودن یک ضرر بسیار بزرگ‌تر در آن بود.

بنابراین رأی مختار ما در این بحث این است که حاکم در شرایط ثانویه باید بسته اقدامات ضد قیمت گذاری ثانویه را مدیریت کند؛ نه خود قیمت گذاری را مدیریت کند و تحت هیچ شرایطی نباید زمینه تربیت و ترکیه مردم از پایگاه تجارت را منتفی کند. این نظر اختیار شده ماست که ان شاء الله بعداً بیشتر راجع به آن بحث می‌کنیم.

بحث را جمع بندی کنم؛ ما امروز سعی کردیم در مسئله دعوت به مسئله تسعیر اختیاری درایه کنیم. عرض کردیم که با دقتی که در روایات نقل شده و توصیف شده در دوران مدیریت امیرالمومنین علیه السلام انجام دادیم ما را به این نتیجه می‌رساند که با حکم تسعیر اختیاری مجموعه‌ای از مناسک تقدیر به نحو انضمام وجود دارد که نفی تسعیر اختیاری نفی آن مناسک تقدیر است و اگر کسی مناسک تقدیر را در زندگی فردی و اجتماعی نفی کند در واقع تقدیر را توسعه و ضیق داده است و مسئله تقدیر اصل در رزق است^۴ و زمینه ترکیه جامعه را منتفی کرده است. فکر می‌کنم در جلسه امروز تفاوت کسب در فقه المکاسب با مکتب

قاعده نفی عسر و حرج عبارت است از قاعده‌ای که اقتضای نفی هر حکم شرعی از مکلفین که منجر به عسر و حرج شود را دارد؛ برای نمونه اگر وضو در تابستان یا غیر آن منجر به عسر و حرجی بر مکلف شود، ساقط شده و تیمم واجب می‌شود؛ مستند این قاعده اولاً آیاتی مثل «یرید الله بکم اليسر...» و ثانیاً روایات مستفیضه‌ای در این امر وارد است به طوری که این قاعده از ضروریات فقه بر شمرده می‌شود.

معجم مفردات أصول الفقه المقارن، ص ۲۲۳

وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ وَ فِي هَذَا لِيُكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ / حج، ۷۸

و در راه خدا چنان که شایسته جهاد است، جهاد کنید؛ او شما را برگزید و بر شما در دین هیچ مشقت و سختی قرار نداد. [در دینتان گشایش و آسانی قرار داد مانند گشایش و آسانی] آیین پدرتان ابراهیم، او شما را پیش از این «مسلمان» نامید و در این [قرآن هم به همین عنوان نامگذاری شده اید] تا پیامبر گواه بر شما باشد و شما هم گواه بر مردم باشید؛ پس نماز را برپا دارید و زکات را پردازید و به خدا تمسک جوید. او سرپرست و یاور شماست؛ چه خوب سرپرست و یآوری و چه نیکو یاری دهنده ای است. [ترجمه انصاریان]

۴۴. قَالَ وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ قَالَ قَالَ الرَّضَا علیه السلام يَا يُونُسُ لَا تَقُلْ بِقَوْلِ الْقَدْرِيَّةِ فَإِنَّ الْقَدْرِيَّةَ لَمْ يَقُولُوا بِقَوْلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ لَا بِقَوْلِ أَهْلِ النَّارِ وَ لَا بِقَوْلِ إِبْلِيسَ فَإِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا- وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ وَ لَمْ يَقُولُوا بِقَوْلِ أَهْلِ النَّارِ فَإِنَّ أَهْلَ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا عَلَبْنَا شَقُونَا وَ قَالَ إِبْلِيسَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي وَ اللَّهُ مَا أَقُولُ بِقَوْلِهِمْ- وَ لَكِنِّي أَقُولُ لَا يَكُونُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَ قَضَى وَ قَدَّرَ- فَقَالَ لَيْسَ هَكَذَا يَا يُونُسُ وَ لَكِنْ لَا يَكُونُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ- وَ أَرَادَ وَ قَدَّرَ وَ قَضَى أَ تَدْرِي مَا الْمَشِيئَةُ يَا يُونُسُ قُلْتُ لَا قَالَ هُوَ الدَّكْرُ الْأَوَّلُ- أَ تَدْرِي مَا الْإِرَادَةُ قُلْتُ لَا قَالَ الْعَزِيمَةُ عَلَى مَا شَاءَ اللَّهُ- وَ تَدْرِي مَا التَّقْدِيرُ قُلْتُ لَا- قَالَ هُوَ وَضْعُ الْخُدُودِ مِنَ الْأَجَالِ وَ الْأَرْزَاقِ وَ الْبَقَاءِ وَ الْفَنَاءِ- وَ تَدْرِي مَا الْقَضَاءُ قُلْتُ لَا قَالَ هُوَ إِقَامَةُ الْعَيْنِ وَ لَا يَكُونُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ فِي الدَّكْرِ الْأَوَّلِ.

نهادگرایی و سایر مکاتب به نحو تفصیلی واضح شده باشد. بنده شاید چندین سال فکر می‌کردم چرا به اشکال مختلف از پیامبر نقل شده است که «الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ» در این شغل دقیقاً چه ویژگی‌هایی وجود دارد که «تِسْعَةُ أَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْحَالَالِ». فکر می‌کنم امروز به این جمع ادله‌ای که عرض کردم این معنا یک مقدار وضوح پیدا کرده باشد.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

یونس بن عبد الرحمن گوید: حضرت رضا علیه السلام بمن فرمود: بگفتار قدریه (اهل تفویض) قائل مباش زیرا قدریه نه به گفتار اهل بهشت قائل شدند و نه به گفتار اهل دوزخ و نه به گفتار شیطان برای اینکه اهل بهشت گفتند (سوره ۷-۴۳) «سپاس خدای راست که ما را به این بهشت هدایت فرمود و اگر خدا ما را هدایت نمی‌کرد، ما هدایت نمی‌شدیم» و اهل دوزخ گفتند (سوره ۲۳-۱۰۶) «پروردگارا، شقاوت خود ما بر ما غلبه کرد و ما گروهی گمراه بودیم» و شیطان گفت: «پروردگارا به سبب آن که تو مرا گمراه کردی» عرض کردم به خدا سوگند من به گفتار ایشان قائل نیستم بلکه می‌گویم چیزی نباشد مگر به وسیله آنچه خدا خواهد و اراده کند و تقدیر نماید و حکم فرماید، فرمود: ای یونس چنین نیست، چیزی نباشد مگر آنچه خدا خواهد و اراده کند و تقدیر نماید و حکم فرماید می‌دانی مشیت (خواست خدا) چیست! گفتم: نه؛ فرمود: ذکر اولست (یاد نخستین) می‌دانی اراده چیست؟ گفتم: نه فرمود: آن تصمیم است بر آنچه می‌خواهد، می‌دانی تقدیر چیست؟ گفتم: نه فرمود آن اندازه‌گیری و مرزبندی است مانند [زمان] اجل‌ها، رزق‌ها و مقدار بقا و [زمان] فناء؛ [ای یونس] می‌دانی «قضاء» (قطعی کردن) چیست؟ گفتم: نه؛ فرمود قضا (حکم) برپاداشتن و محقق کردن عین و وجود خارجی است و آن [وجود خارجی هم] چیزی جز مشیت الله تعالی در ذکر اول (یاد نخستین) نیست.

و عن أحمد بن إسحاق بن سعد عن بكر بن محمد عن أبي عبد الله ع قال لفضيل: جَلِسْ وَتَحَدِّثْ؟ قَالَ: نَعَمْ جَعَلْتُ فِدَاكَ
قَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْجَالِسَ أَحِبُّهَا، فَأَحْيُوا أَمْرًا يَا فَضِيلُ، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرًا.
يَا فَضِيلُ، مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الدُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ أَلَمِ مِنْ زَيْدِ الْجَبْرِ

قرب الإسناد: امام صادق عليه السلام به فضيل فرمود: آیا با هم می نشینید و گفتگو می کنید؟ عرض کرد: آری، فدایت شوم.
فرمود: من این مجالس را دوست دارم. ای فضیل! راه ما را زنده نگه دارید. رحمت خدا بر آن که امر ما را زنده بدارد. ای
فضیل! هر کس ذکر ما بگوید یا در حضور او ذکر ما شود و از چشمش به اندازه پر مگسی اشک درآید خداوند گناهان او
را می بخشد اگر چه فزونتر از کف دریا باشد.


مصدر: قرب الاسناد، ج ۱، ص ۳۶

منبع فرعی: بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲

سعی کردیم در روایات دعوت به تسعیر اختیاری درایه کنیم؛ عرض
کردیم با دقتی که در روایات نقل شده و توصیف شده در دوران
مدیریت امیرالمؤمنین علیه السلام انجام دادیم، به این نتیجه رسیدیم
که با حکم تسعیر اختیاری مجموعه‌ای از مناسک تقدیر به نحو
انضمام وجود دارد که نفی تسعیر اختیاری، نفی آن مناسک تقدیر
است و اگر کسی مناسک تقدیر را در زندگی فردی و اجتماعی نفی
کند، در واقع تقدیر را ضیق داده است - مسئله تقدیر هم در رزق اصل
است - زمینه تزکیه جامعه را منتفی کرده است.

بنابراین رأی مختار ما در این بحث این است که حاکم در شرایط
ثانویه باید بسته اقدامات ضد قیمت‌گذاری ثانویه را مدیریت کند؛ نه
خود قیمت‌گذاری را مدیریت کند و تحت هیچ شرایطی نباید زمینه
تربیت و تزکیه مردم از پایگاه تجارت را منتفی کند.

* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه  nro-di.blog.ir

کانال "الگو ۴" در پیام‌رسان ایتا  @olgou4